

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران به مناسبت شانزدهمین سالگرد بنیادگذاری سازمان



دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۶۵ برابر ۹ فوریه ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال سال سوم شماره ۱۴۴

عفریت جنگ از بام خانه به سراغت می آید

جنگ همینجاست، در شهرتان، کوچه‌تان، خانه‌تان. عفریت جنگ شاید تا لحظاتی دیگر از بام خانه به سراغتان آید. جنگ تنها خبر مرگ کسانتان نیست. جنگ تنها گرسنگی نیست. جنگ تنها قفلی نیست که بر در کارخانه می‌زنند. جنگ اکنون ملموس‌تر از همیشه است. می‌آید ولستان می‌کند. هرم نفس، نفس را در سینه‌تان می‌برد. در چشم برهم‌زدنی شریان حیات صداها تن را می‌گسلد. دیروز به آن محله یا نهاد، امروز به این محله و فردا ثوبت محله ماست.

زندگی متوقف شده است. عقربه‌های ساعت کارشان شمارش معکوس است. انفجار بعدی کدامین سقف را در هم خواهد شکافت؟ امروز کدام خانه، کدام مدرسه، کدام کارخانه میزبان عفریت مرگ است؟ امروز "نعبت آسانی" بر کدامین شهرها فرو خواهد بارید؟

بروچرد که داغ قریب به ۷۰ کودک را در دل نهاد، ثوبت به میانه رسید. کودکی که امروز صبح به مدرسه می‌رود آیا سالم به خانه باز خواهد گشت؟ اگر بازگشت آیا با خانه ای مخروبه مواجه نخواهد شد؟

از جیبه جنازه می‌آوردند، هزار هزار. اما بقیه در صفحه ۶

رفقا و دوستان!
فدائیان خلق!

شانزده سال از ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹، روز بنیادگذاری سازمان ما و آغاز فعالیت انقلابی آن می‌گذرد. راهی را که ما در طی شانزده سال پیموده‌ایم، راهی دشوار و پر فراز و نشیب، از میان آتش و خون، همراه با کامیابی‌ها و ناکامی‌ها پیموده است. حیات سازمان ما با همه دشواری‌ها و سختی‌های انقلابی و بالنده بوده است که از اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم و پیروی ازمان بشردوستانه طبقه کارگر و از ایمان عمیق به خلق‌های ایران شروع می‌گرفته است. امروز که در اجنات هفدهمین سال فعالیت سازمان قرار گرفته‌ایم، باید همسنگان پرچم مبارزه در راه تحقق تاج‌های دور و نزدیک طبقه کارگر و همه زحمتکشان را با تکیه بر نیروی رهایی‌بخش مارکسیسم - لنینیسم و انقلابیون مارکسیست پرولتاری و با تحکیم صفوف خود و نبرد افکار آگاهانه علیه دشمنان زحمتکشان مصمانه در اختیار نگه داریم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ۱۹ بهمن، شانزدهمین سالگرد سازمان رزمنده‌مان را به شما و همه رزمندگان راه رهایی طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور تبریک و شادباش می‌گوید. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه شما فدائیان خلق ایران که در شرایط ترور و خفقان ارتجاع و تهاجمات

هفدهمین سال فعالیت انقلابی سازمان را در شرایطی آغاز می‌کنیم که هزاران فدایی خلق، هزاران زائر راه دور زندان‌های رژیم خمینی زیر شکنجه‌ترین شکنجه‌ها قرار دارند. بسیاری از همسنگان راه رهایی، در این سال‌های سیاه، بخاطر اشتیاقی به مواضع انقلابی و کمونیستی خود به شهادت رسیده‌اند. هر زمان، بر دفتر دلخبری فدائیان اسیر، برگ‌هایی افزوده می‌شود. در آخرین ماه‌های شانزدهمین سال فعالیت سازمان، فدائیان اسیر، زینتین مسعود ناصر حجتی، کادر رزمنده سازمان، در زیر شکنجه‌های دشمنان به شهادت رسیدند. اکنون هزاران فدایی در زندان‌های رژیم در وضع شرف، انسانیت و حقیقت در نبردی نابرابر با دژخیمان پاسدار پلیدی، حماسه می‌فریبند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در برابر پایداری حماسی شهدا سر تعظیم فرود می‌آورد و به زندانیانی که در برابر ارتجاع دلارانه استاده‌اند درود می‌فرستد و همه آزادی خواهان اسیر و رزندان دربند خلق را به بقیه در صفحه ۲

۱۹ بهمن روزی که زنگ بزرگ خون به صدا درآمد و طوفان شکوفه داد

در صفحات ۸ و ۹

نگاهی به خاطرات ژنرال هایزر انقلاب مردم، زبونی ژنرالها و بندوبست‌های پنهان

در این هشت سالی که از انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ می‌گذرد، برخی بازیگران تلاشهایی که آن روزها برای سرکوب و یا نیمه کاره گذاشتن قیام مردم جریان داشت، خاطرات سیاسی خود را به انگیزه‌های گوناگون انتشار دادند. مقامات رژیم شاه، از خود او گرفته تا بختیار و ژنرال هایش، در کتابهایشان خشم و کینه‌شان را در قبال مردم و انقلاب به نمایش گذاشتند و همه، بدون استثناء، "تقصیر" شکست زبونان‌شان را به گردن یکدیگر انداختند. برخی مقامات آمریکایی وقت نیز گوشه‌هایی از اطلاعات خود را، که قطعاً از کانال سانوسر سیا می‌گذرد، به صورت خاطرات به فروش می‌رسانند. آخرین نمونه، کتاب "ماموریت در تهران" نوشته ژنرال چهارستاره بازنشسته، رابرت ای. هایزر است که چند ماه پیش در آمریکا و اروپا چاپ شد.

کتاب هایزر، که همزمان شدن انتشار آن با علنی شدن مناسبات گسترده آمریکا و جمهوری اسلامی تصادفی نیست، به محض انتشار واکنش شدید ژنرال‌های شاه را که به خارج گریخته‌اند برانگیخت. بقیه در صفحه ۵

پادشاهان

امشب از زبان‌های آتش
امشب این دل تپنده به خون نشسته ام
پادشاهان سالهای سر بلندی و ررا
نغمه‌هایی دوباره ساز کرد
نغمه‌هایی که جان‌ها را بر آتش جنگل امید، می‌برد
با بلند آتشی که در دل زبانه می‌کشد
در کشاکش
امشب این دل مشوش
ره به سوی آرزوی تازه باز کرد.
خون من اگر که ریخت
گر سرد سینه ام دوباره رنگم گرفت
شادی زمانه اژدل امید و مردم اگر گریخت
باغ را به خنده، مژده آوردید

به یاد سیاهکل
لاله‌های دشت را خبر کنبد
آن بهار به بفرار برگ و بارما
می‌رسد ز راه
باد لی، هر از ترانه‌های سبزدستی
باتنی، شکفته از شکوفه‌های عشق
با طراوتی، زخنده بنفشه‌های صبحگاه.
آه... ای دل غمین، ببین!
امشب از امیدهای تازه سرخوشم
در سپیده‌های آسمان میبیمم -
بال می‌کشم.
ای شب‌بهار را در انتظار!
این زمان شکفته ام چو باغ پر شکوفه بهار.
رضامقصدی

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت) به اعضا و هواداران

به مناسبت شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان

بقیه از صفحه اول

استادگی در برابر دژخیمان و خوار و زبون کردن دشمنان خلق فرامی خوانند.

اعتصاب غذای پیروزمند زندانیان سیاسی در اوین و گوهردشت و مقاومت دلیرانه این فرزندان خلق در سال ۶۵ نشان می‌دهد که بار دیگر زندان سیاسی به سنگری استوار علیه رژیم مرتجع خمینی بدل می‌شود. زندانیان سیاسی خاری در چشم خمینی اند. تقویت و پشتیبانی فعال و موثر از این استادگی و بیکار حماسی وظیفه مقدس و والای همه ما است.

رفقا!

شانزدهمین سال فعالیت سازمان برای فدائیان خلق، سال پیروزی بردشمن هارد ربرخی جیب‌ها و تحمل ضربات در جیب‌های دیگر بود. برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت) در فروردین ماه، موفقیت بزرگی برای سازمان بود. ادامه تلاش و پیگیری خفایت جویانه‌ای که در مصوبات پلنوم فروردین ماه انعکاس یافت، بیگمان راه حل یک رشته از مسایل بنیادی در جنبش انقلابی را خواهد گشود. کمیته مرکزی بر این اعتقاد است که ادامه و تکامل پیروزمند راه پلنوم فروردین مستلزم مشارکت فعال، موثر و مستقیم همه کادرها، اعضا و هواداران سازمان است. پلنوم وسیع فروردین ماه همه ما را بسوی برگزاری نخستین کنگره سازمان فراخوانده است. کنگره‌ای که بی‌گمان می‌باید نقش تاریخی خود را در اعتلای مقام و موقعیت سازمان و همه مبارزان راه طبقه کارگر ایران ایفا کند و راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی را در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و بر پایه برنامه و اساسنامه واحد هموار گرداند. شرکت فعال و موثر همه فدائیان خلق در مباحثات پیرامون مسائلی که در دستور کار کنگره است، هم برای تحکیم اراده واحد سازمانی و هم برای غنای اسناد راهنمای عمل ما، ضرورت تام دارد.

رفقا!

گسترش دامنه کار آگاهگرانه در میان توده‌های مردم، شرکت فعال در سازمانگری مبارزات کارگران و زحمتکشان و فعالیت افشاگرانه شما علیه سیاست‌های جنگ آفرزانه و سرکوبگرانه رژیم، در شانزدهمین سال حیات انقلابی سازمان، اعتبار و نفوذ سازمان ما را در جامعه گسترش داد. تقویت روزافزون نقش آگاهگرانه و افشاگرانه سازمان بویژه در شرایط نادرک و انجام معاملات و زده‌بندهای محرمانه رژیم با امپریالیست‌ها، رژیم چنانچه‌تکار خمینی را به

مراس افکند.

بورش سبعاثه سراسری رژیم به فدائیان خلق در ناپستان گذاشته، دستگیری بیش از هزار نفر از اعضا و هواداران سازمان، اعمال جنایات حیوانی علیه بازداشت شدگان، قبل از همه مراسم رژیم از آگاهی کارگران و زحمتکشان و تلاش ارتجاعی آن برای درهم شکستن مبارزه طبقه کارگر ایران را به نمایش گذاشت. علیرغم تمام تلاشهای مذبوحانه ارتجاع و امپریالیسم و دشمنان طبقاتی ما، سازمان همچنان به پیش می‌رود و راه خود را از میان انبوه دشواری‌های گشاید.

تلاش برای جبران این ضربات و گسترش حضور و فعالیت انقلابی سازمان، با توجه به حساسیت اوضاع سیاسی کشور و روندهای حاد و متلاطم آتی حائز اهمیت اساسی است. در این راه کاربست خلاقانه رهنمودهای شعبه تشکیلات که از طرق مختلف بعد از ضربات ناپستان بدست شما رسیده است باید مبنای کار قرار گیرد. با هشیاری و با اطمینان باید حرکت کرد. امروز حفظ نیروی خود، شایسته ارتباط با سازمان و به انگای آن کمک به تقویت حضور سازمان در میان کارگران و زحمتکشان، عمده‌ترین وظایف لحظه است. امروز کاربست بی‌خنده قوانین کار در شرایط محلی راه پیروزی فردارامی گشاید.

فدائیان خلق!

گسترش نفرت و مبارزه توده کارگران و زحمتکشان ایران علیه ادامه جنگ و رژیم، از نبردهای طوفانی و سرنوشت‌ساز آینده خبر می‌دهد. اوضاع اقتصادی کشور فاجعه‌بار و فقر و فلاکت زحمتکشان بی‌سابقه شده است. بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رژیم شدید و حاد است. سیر رویدادها در کشور و بازتاب پیامدهای ادامه جنگ و وحدت تضادها در حکومت، اوضاعی را در کشور پدید آورده است که اکنون رژیم قادر نیست بحران حاد و همه جانبه‌ای را که تاروپود جامعه را درهم می‌نوردد، مهار کند و اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را بسود خود تثبیت کند.

در شرایط کنونی، اتحاد همه نیروهای چپ و دمکراتیک کشور حول یک پلانتفرم واحد برای برانداختن و جانفشینی رژیم به مبرم‌ترین نیاز جنبش انقلابی میهن ما بدل شده است. در پایخ مسلولانه به این نیاز جنبش، فدائیان خلق باید همچنان بر وحدت عمل و اراده خود تکیه کرده و آن را چون مردمک چشم حفظ کنند و در مبارزه برای نزدیکی و همکاری همه جریان‌های پیرو سوسیالیسم علمی همه ابتکارات را بکار گیرند. سرنوشت نبردهای آتی به نتایج این مبارزه بستگی می‌یابد و روند ائتلاف‌های سیاسی و طبقاتی آینده را که اوضاع سیاسی کشور را سمت مه‌دهد، تحت تاثیر قرار

می‌دهد.

فدائیان خلق همچنان باید با تحکیم پیوند خود با طبقه کارگر و توده زحمتکشان شهر و روستا نلایه‌های سرکوبگرانه رژیم علیه خود را خلی ساختند و با گسترش پایه توده‌ای سازمان و نفوذ شعارهای آن نیروی لایزال توده‌های میلیونی را در برابر رژیم قرار دهند. زندگی و کار در میان زحمتکشان، رسوخ در اعماق زندگی توده‌ها، سازماندهی مبارزه آنان و جلب اعتماد و یاری‌شان در پیکار مشترک علیه رژیم بیگانه اهرم نیرومندی است که فدائیان خلق را در برابر رژیم سرکوبگر شکست ناپذیر می‌سازد.

جلب همکاری و اتحاد عمل اعضا و پیروان سازمان‌های انقلابی و مترقی و تحکیم این اتحاد در پائین همچنان از وظایف انقلابی مهم فدائیان خلق باقی می‌ماند و وظیفه مطمئن در جهت تضمین سمت اتحاد طلبانه جنبش دمکراتیک کشور در برابر تلاش‌های تفرقه‌جویانه رهبری برخی از این سازمان‌ها است. تشدید فعالیت اتحاد طلبانه، پایخ مسلولانه ما به نیاز مبرم جنبش انقلابی ایران است.

رفقا!

ما فدائیان خلق برای سرتکونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق و تحقق اهداف و اندیشه‌ها و آرمانهای والای طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران می‌رزمیم. راه تحقق این آرمانهای والا، راه تحقق سوسیالیسم، از ویرانه‌های جمهوری اسلامی می‌گذرد. بیایان رسانیدن این راه مستلزم از سر راه برداشتن مواضع و دشمنان رنگارنگ کارگران و زحمتکشان است. ما وقتی در این راه گام نهادیم، گروه کوچکی بودیم که در راهی دشوار و گذرگاهی از آتش و خون و دست در دست هم، محکم و استوار پیش آمدیم. اکنون باید با زور و بازو، شانه به شانه از میان دشمنان که از هر سو آتش کین بر ما می‌بارند و از میان دشواری‌های بزرگ که ما را احاطه کرده و می‌کنند، به پیشروی ادامه دهیم، با مشعل مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و کاربست خط مشی انقلابی راهمان را روشن‌تر کنیم و با نیروی لایزال طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، امریمن جنگ و ارتجاع و امپریالیسم را از سر راه برداریم و در برابر میهن عزیزمان افق صلح و راه دمکراسی و سوسیالیسم را بگشاییم. ما پیروز می‌شویم.

سرافراز و پیروز باد

سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

سرتکون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبت)

بهمن ماه ۱۳۶۵

یاد زندانیان رزمنده فدایی گرامی باد

در پانزده سالی که از حیات سازمان ما می گذرد، هیچ سالی نبوده است که سیاهچالهای رژیم های شاه و خمینی از زندانیان فدائی خالی شود. هزاران فدائی رزمنده ای که در جریان رزم علیه رژیم شاه دستگیر شده بودند و پیاد مبارزه علیه رژیم خمینی به اسارت افتاده اند، با مقاومت در برابر این رژیم های ددمنش بخش کز انقدر پیکاری بشار می آیند که مرزماشان در بیرون از زندان و در میان مردم پیش برده اند.

اکنون در آغاز شانزدهمین سال اعلام بنیانگذاری سازمان، در سالروز رویداد شکوهمند سیاحکل، هزاران تن از فدائیان خلق در زندان های مخوف رژیم خمینی به بند کشیده شده اند. آنان که تحت شکنجه های وحشیانه دژخیمان قرار دارند، در بایبندی به پیمانی که با خلق خود بسته اند، جان می بازند اما لب از لب نمی کشایند. آخرین جانبازه، رفیق شهید مسعود ناصر حاجتی رودری بود. او به سلسله شهیدانی پیوسته است که با شهادت اولین رزمنده فدائی، رفیق نیک داودی، در سال ۴۸ آغاز گردید. خبرهای نیمه موثق حاکی از شهادت عده بیشتری از فدائیان زندانی در زیر شکنجه است که از جمله آنها رفیق شهید ایزدی است.

در سالروز ۱۹ بهمن ضمن گرامیداشت خاطره شهیدان فدائی، رزم فدائیان اسیر را پاس می داریم و از مبارزه و پایداری آنان برای گسترش نبرد علیه ارتجاع الهام می گیریم.

بیانیه مشترك احزاب کمونیست و کارگری کشورهای خاورمیانه و فزديک

تلاش برای پایان دادن به سرکوب و شکنجه نیروهای مترقی ایران

به قرار اطلاع رهبران جمهوری اسلامی در ماههای اخیر فشار و سرکوب خونین علیه سازمانهای مترقی ایران را که برای صلح و دموکراسی و بهر روزی مردم مبارزه می کنند شدت داده اند. ارگانهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی چند هزار نفر از اعضا و هواداران و کادرهای فعال جنبش مترقی ایران را بازداشت کرده و در زندانهای مخوف تحت شکنجه قرار داده اند.

طی شش ماه از آوریل تا اکتبر سال ۱۹۸۶، تنها در تهران بیش از ۱۸۰۰ نفر از مبارزین بازداشت شده اند. فلذا در ماههای ژوئیه، اوت و سپتامبر ۸۶، بیش از یک هزار نفر از فداییان خلق بازداشت شده و تحت شکنجه های شدید جسمی و روانی قرار گرفته اند.

جان بسیاری از فعالین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که در زیر شکنجه های وحشتناک قرار دارند در خطر جدی است و این امر نگرانی همه ی آزادبخواهان را برانگیخته است.

اطلاعات رسیده حاکی از این است که رفقا شهید ایزدی (فدایی خلق ۲۰ ساله)، بهروز افشاری (از فعالین حزب توده ایران) محمد علی شرف الدین و عده دیگری از مبارزان و افراد وابسته به سازمانهای ترقیبخواه ایران در زیر شکنجه شهید شده اند.

آنچه به شدت نگران کننده است، آن است که جمهوری اسلامی تاکنون کوچکترین اطلاعی در باره بازداشت های وسیع انجام شده انتشار نداده است. هیچکس از محل بازداشت شدگان اطلاعی ندارد و جمهوری اسلامی زندانیان را برای دستیابی به اطلاعات و تغییر عقاید خود تحت شکنجه های سخت و طولانی قرار میدهد.

ما ضمن اعلام همبستگی با مبارزات صلحدوستانه و آزادبخواهانه مردم و نیروهای ترقیبخواه ایران، خواهان قطع شکنجه و کشتار انقلابیون و مبارزین زندانی در ایران و آزادی زندانیان سیاسی هستیم.

ما خواهان آنیم که اسامی دستگیر شدگان ماههای اخیر انتشار یابد، دستگیر شدگان در دادگاههای علنی و قانونی محاکمه شوند، سازمانهای دیمصلاح بین المللی اجازه حضور در این محاکمات، اعزام وکیل مدافع و دیدار با زندانیان را بپایند و خشونت و سرکوب در زندانها خاتمه پذیرد.

ما یکبار دیگر همبستگی خود را با مبارزان راه صلح، آزادی و نیک بختی مردم ایران اعلام می کنیم و آزادی زندانیان سیاسی از شکنجه گاههای جمهوری اسلامی را خواهیم.

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک ۸۷/۱/۱۴

بیانیه مشترك احزاب سیاسی هندوستان در دفاع از زندانیان سیاسی ایران

متعهدما، انجمن حقوقدانان دموکرات، عفو بین الملل و نیز برای کلیه روزنامه های هندی فرستاده شد. این بیانیه اعتراضی به مسئولین رژیم جمهوری اسلامی نیز داده شد. متن بیانیه چنین است:

پنج حزب سیاسی هندوستان با صدور یک بیانیه مشترك، مردم هندوستان را به دفاع از زندانیان سیاسی ایران فراخواندند. این بیانیه از سوی این احزاب برای دبیر کل سازمان ملل متحد، رئیس جنبش غیر

ما احزاب سیاسی امضا کننده بیانیه زیر در هندوستان نگرانی خود را نسبت به خطری که جان زندانیان سیاسی را در ایران تهدید می کند اعلام می داریم. طبق بیانیه ای که از سوی کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافته، رهبران جمهوری اسلامی در ماههای اخیر فشار و سرکوب خونین علیه سازمانهای مترقی ایران را که برای صلح و دموکراسی و نیکبختی مردم مبارزه می کنند، شدت بخشیده اند. ارگانهای اطلاعاتی و سرکوب جمهوری اسلامی چندین هزار تن از اعضا، هواداران و کادرهای فعال جنبش مترقی ایران را بازداشت کرده و در زندانهای ترو و سلبانی تحت شکنجه قرار داده اند. تنها طی بازداشت وسیع ژوئیه، اوت و سپتامبر ۱۹۸۶،

یونان: زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

در روز ۲۲ دسامبر ماه، "کمیته یونانی برای همبستگی دموکراتیک جهانی" طی پیامی به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که به دفتر این کمیسیون در یونان تقدیم شد، وضعیت دشوار زندانیان سیاسی ایران را مورد بررسی قرار داده، خواهان انجام اقدامات موثر برای متوقف کردن روند پیکره، شکنجه و اعدام در ایران شد.

در بخش آغازین این پیام که متن آن در اکثر روزنامه های یونان انتشار یافت، آمده است: "کمیته یونانی برای همبستگی دموکراتیک جهانی و همه مردم یونان بطور جدی نگران اوضاع ایران و نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی در این کشور می باشند.

رژیم (ایران) بمنظور تحمیل سیاست جنگ افزوزانه اش، زندانها را با دهها هزار زندانی سیاسی، کارگران، دهقانان، زنان، دانشجویان و حتی دانش آموزانی که تنها جرمشان امتناع از رفتن به جبهه جنگ یا ابراز مخالفت با جنگ ویرانگر ایران و عراق و رژیم ضد دموکراتیک سرکوبگر بوده، انباشته است."

کمیته یونانی برای همبستگی، در بخش دیگری از پیام خود که به امضای پروفیسور "و. فیلیپس" رئیس و "نیک فویتادیس" دبیر آن رسیده، توجه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را به وضعیت جسمانی نگران کننده برخی از زندانیان سیاسی ایران بویژه پس از اعتصاب غذای اخیر این فرزندان دلاور خلق معطوف داشته است.

بیش از هزار نفر از فداییان بازداشت شده و تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روانی قرار گرفته اند. در پی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در تهران خطر اعدام های دسته جمعی زندانیان افزایش یافته است. مقامات امنیتی جمهوری اسلامی ایران صدها نفر را مخفیانه دستگیر کرده اند. هیچ اطلاعی از محل بازداشت دستگیر شدگان در دست نیست. ما اعدام و شکنجه و دستگیری انقلابیون را محکوم می کنیم. ما خواستار آزادی بدون قید و شرط و فوری فداییان اسیر و همه زندانیان سیاسی در ایران هستیم. ما قویا اقدامات وحشیانه رژیم را محکوم می کنیم و از همه مردم صلحدوست هند تقاضای کنیم که برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران به ما بپیوندند.

- حزب کمونیست هندوستان - ام. فاروقی (دبیر هیئت اجراییه)
- حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) - هارکیشان سینگ سورجیت (عضو هیئت سیاسی)
- حزب مردم - ام. آ. لاری (دبیر)
- جبهه پیشروی سراسری هند - دی. دی. شاستری (دبیر)
- حزب سوسیالیست انقلابی - پارتول چودری (رئیس)

مصاحبه رفسنجانی با خبرنگار

شبکه تلویزیونی سی. بی. اس آمریکا

کیهان هوایی ۱۵ بهمن - حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده خمینی در شورای عالی دفاع در یک مصاحبه با خبرنگار شبکه تلویزیونی "سی. بی. اس" آمریکا و همچنین در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با خبرنگاران داخلی و خارجی به تشریح مناسبات فی مابین جمهوری اسلامی و آمریکا پرداخت. گوشه‌هایی از این مصاحبه در شماره گذشته نشریه "اکثریت" بازتاب یافت.

رفسنجانی درباره مساله فروش اسلحه و نحوه ارتباط آمریکا با جمهوری اسلامی گفت: "ما بعد از انقلاب و با شروع جنگ به دلیل اینکه اسلحه‌مان عمدتاً آمریکایی بود (ام از هواپیماها، رادارها، ملی کوپترها و بخشی از توپها و پدافند و موشک‌هایمان)، طبعاً اژرجا که برایمان امکان داشت قطعات این تسلیحات را تأمین می‌کردیم، البته غیر از اسرائیل... بعد از حادثه ربنده شدن هواپیما، تی دبلیو ای که در لبنان اتفاق افتاد و ما برای دفع این غائله کمک کردیم و بعد از آن هم من سفری به ژاپن داشتم به نظر رسید که مسئولان آمریکا به فکر افتاده‌اند که وضع جدیدی را به وجود بیاورند. پیغام‌هایی از طریق دولت‌ها و مقامات رسمی دادند که حاضرند و آمادگی دارند که نیازهای (جنگی) ما را تأمین کنند."

رفسنجانی اعتراف کرد که در این محدوده زمانی ارتباط آمریکا توسط ماموران خرید و ماموران اطلاعاتی صورت می‌گرفته است. رفسنجانی اظهار داشت که بدنبال تلاش جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان "دوپاسه مورد او گروگانها آزاد شدند و چیزهایی هم دلالتها به ما تحویل دادند و گفتند این‌ها را از آمریکا گرفته ایم که مشخصاً تا آخر حدود ۲۵ هزار موشک "تاو" و مقداری هم قطعات سیستم "هاک" بوده است."

نماینده خمینی در شورای عالی دفاع درباره علت عدم اشنای سفر مک فارلین به تهران گفت: "ما چرا ارام فاش نکردیم برای این که به کلی مسائل قلع نشود."

رفسنجانی فاش ساخت که مذاکرات جمهوری اسلامی و مقامات آمریکا توسط فرستاده شولتز "دانبار" ادامه داشته است. خبرنگار سی. بی. اس پرسید: "دولت آمریکا اعتراف کرده است که تا اوائل ماه گذشته با ایران تماس داشته است، آیا این مساله با موضوع "دانبار" تطبیق می‌کند؟ رفسنجانی پاسخ داد: "این‌ها هیچوقت با ایران به عنوان ایران تماس نداشته‌اند، آسان با ماموران خرید اسلحه از طریق همان دلال‌ها تماس داشته‌اند و فکر می‌کنم هنوز هم این تماس قطع نشده باشد." خبرنگار سی. بی. اس، در ادامه پرسید: "در حال حاضر هیچ گونه تماس و یا ارتباطی با او (دانبار) ندارید؟ رفسنجانی در پاسخ به این پرسش گفت: "ممکن است ماموران خرید ما با او تماس داشته باشند، به طوری که الان نیز قطعات برای ما می‌آید."

فرمانده نیروی هوایی برکنار شد

خمینی در پاسخ به نامه خامنه‌ای اظهار داشت: "با تقدیر و تشکر از خدمات سرهنگ هوشنگ صدیق با پیشنهاد مذکور موافقت می‌شود."

سرهنگ منصور ستاری فرمانده جدید نیروی هوایی در سال ۱۳۲۷ متولد شده است. وی در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده افسری شد و پس از فارغ التحصیلی به نیروی هوایی ملحق گردید. وی پیش از این مدتها بعنوان "افسر کنترل شکاری" در نیروی هوایی فعالیت کرده است. آخرین سمت نامبرده معاونت طرح و برنامه فرماندهی نیروی هوایی جمهوری اسلامی بوده است.

کیهان ۱۱ بهمن - بدنبال "پیشنهاد" شورای عالی دفاع و موافقت خمینی "فرمانده کل قوای جمهوری اسلامی" طی حکمی از سوی حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع، سرهنگ هوشنگ صدیق فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی از کار برکنار و سرهنگ منصور ستاری بجای وی منصوب شد. در متن نامه خامنه‌ای به خمینی تصریح شده است: "شورای عالی دفاع در اجرای مفاد اصل (۱) قانون اساسی انتصاب سرکار سرهنگ منصور ستاری را به فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی به آن حضرت پیشنهاد می‌کند."

رشد سرسام آور نقدبستگی بخش خصوصی

در این گزارش میزان نقدبستگی بخش خصوصی در پایان سال ۶۵ معادل ۱۰۲۲۹ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. این میزان پول و شبه پول انباشت شده در دست بخش خصوصی در سال ۶۵ پیش از ۲۴ برابر نقدبستگی بخش خصوصی در سال ۱۳۵۰ و بیش از ۴ برابر سال ۵۷ است.

کیهان ۶ بهمن - روزنامه دولتی کیهان در سلسله مقالاتی تحت عنوان "نگاهی به سیستم مالیاتی فعلی"، آماري از رشد سرسام آور نقدبستگی بخش خصوصی در فاصله زمانی ۱۵ ساله (۱۳۶۵ - ۱۳۵۰) ارائه کرد. شتاب رشد نقدبستگی بخش خصوصی (انباشت پول و یا شبه پول در دست این بخش) در فاصله زمانی یاد شده بصورت ذیل بوده است.

سال	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴
مبلغ به میلیارد ریال	۲۹۶	۴۰۰	۵۱۵	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸	۱۵۶۸

گزارش بانک مرکزی از وضعیت اقتصادی در نیمه دوم سال ۶۳

صادرات نفت ایران در نیمه دوم سال ۱۳۶۳ کاهش بیشتری یافت. صادرات نفت ایران در دوره مورد گزارش، نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۲۲/۸ درصد کاهش یافت و به روزی معادل ۱/۵ میلیون بشکه محدود شد.

مجموع درآمدهای دولت در سال ۱۳۶۳ با ۱۱ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۶۲ به ۲۷۱۵ میلیارد ریال رسید. درآمدهای مالیاتی دولت برخلاف کاهش درآمدهای نفتی در دوره مذکور افزایش یافت. در نیمه دوم سال ۱۳۶۳ درآمدهای مالیاتی دولت در مقام مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۱۹/۹ درصد و نسبت به نیمه اول سال مذکور، ۴۷/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد.

در دوره مذکور پرداختهای جاری دولت با ۱/۵ درصد کاهش و سرمایه‌گذاری ثابت با ۹/۲ درصد کاهش نسبت به نیمه اول سال ۱۳۶۳ به ترتیب به ۱۲۲۸/۲ و ۴۱۷/۷ میلیارد ریال رسید. دولت در سال ۱۳۶۳ برای تأمین کسری عظیم بودجه عمومی اقدام به اخذ وام به مبلغ ۴۵۴ میلیارد ریال از سیستم بانکی نمود.

گزارش بانک مرکزی همچنین تصریح کرده است که در نیمه دوم سال ۱۳۶۳، حجم پول ۱۰/۹ درصد افزایش داشته است.

کیهان ۲۸ دیماه - اخیراً بانک مرکزی جمهوری اسلامی گزارش وضعیت اقتصادی کشور در نیمه دوم سال ۱۳۶۳ را منتشر کرد. در این گزارش تصریح شده است که رکود اقتصادی نیمه اول سال ۱۳۶۳ در نیمه دوم سال بطور نسبی گسترش یافته و بر فعالیت برخی از بخشهای اقتصادی کشور حاکم بوده است. در این گزارش قید شده است که دولت جمهوری اسلامی برای کاهش کسری عظیم بودجه عمومی دولت در این سال پرداختهای دولت، بخصوص پرداختهای عمرانی را کاهش داده است. در این گزارش آمده است: "در سال ۱۳۶۳ به علت مشکلات ارزی و کمبود مواد اولیه از رشد تولیدات صنعتی کشور کاسته شد و افزایش تولیدات کارگاههای بزرگ صنعتی از ۲۱/۸ درصد در سال ۱۳۶۲ به ۸/۲ درصد در سال ۱۳۶۳ محدود گردید. بدلیل رکود فعالیتهای اقتصادی، سرمایه‌گذاری نیز در این بخش (صنعت) در نیمه دوم سال ۱۳۶۳ تقلیل یافت، بطوریکه سرمایه‌گذاری بر اساس پروانه‌های تأسیس واحدهای جدید صنعتی و توسعه واحدهای موجود از ۳۲/۶ میلیارد ریال در نیمه دوم سال ۱۳۶۲ به ۲۲/۸ میلیارد ریال در نیمه دوم سال ۶۳ محدود شد."

بر اساس این گزارش فعالیت در بخش ساختمان نیز که در سال ۱۳۶۲ از رونق نسبتاً زیادی برخوردار بود، در سال ۱۳۶۳ با رکود مواجه گردید. تولید و

ادریس پارزانی کشته شد

روزنامه اطلاعات ۱۲ بهمن گزارش داد که ادریس پارزانی چهارمین فرزند ملامصطفی "دراثر یک نارسی قلبی" در خاک میهن اسلامی "درگذشته است. روزنامه اطلاعات مدعی است که ادریس پارزانی بر اثر سکت قلبی در یکی از بیمارستانهای تهران فوت کرده، در حالیکه خبرگزاریهای خارجی اعلام داشته اند که وی در جریان بمباران شهر ارومیه توسط نیروی هوایی ارتش عراق کشته شده است. روزنامه اطلاعات از ادریس پارزانی بعنوان "مرد شماره دو حزب دمکرات کردستان عراق" یاد کرده است.

شرکت سهامی توزیع قدرت

اطلاعات اول بهمن - ولی الله زمانی نماینده بابل در مجلس شورای اسلامی فاش ساخت در درون شبکه های اجرائی و تصمیم گیری جمهوری اسلامی

دفاع به مهره وزیر دفاع و فرماندهای نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی، در چهاران با خمینی دیدار کردند. این دیدار در پی برکناری سرهنگ صدیق از سمت فرماندهی نیروی هوایی صورت گرفت. ناظران دیدار فرماندهان نظامی را با خمینی نشانه گسترش تشنج در ارتش می دانند.

* اطلاعات ۶ بهمن - خمینی به حلال احمر

جمهوری اسلامی دستور داد که کمکهای جنسی مردم به سیل زدگان توسط این ارگان پفروش رسیده و به وجه نقد تبدیل گردد. روابط عمومی جمعیت حلال احمر جمهوری اسلامی مدعی شده است که این وجه نقد در خدمت سیل زدگان قرار خواهد گرفت.

* اطلاعات ۸ بهمن - بدنبال بررسی لایحه "بیمه

بیکاری" در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، کلیات این لایحه "ضمن رد یک فوریت آن" به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید.

خوبی دیده می شود که امهریالیسم، بیش از هر چیز از توده ای تر شدن و رادیکال تر شدن اعتصابها و تظاهرات روزهای انقلاب وحشت داشت. بیشتر وقت جلسات مشترک هایزر با ژنرال های شاه صرف این می شده است که چگونه به اعتصاب شرکت نفت، گمرک، راه آهن، کارخانجات و ادارات پایان داده شود. بدین منظور آنها با خمینی نیز در تماس بوده و در چند مورد نیز به توافق رسیدند. هایزر به درستی در گسترش مبارزات مردم، کاهش نفوذ آخوندها و در عوض، تقویت خط مشی نیروهای انقلابی و به ویژه کمونیستها را می بیند. همه تلاش او متوجه آن است که چنین نشود.

ژنرال آمریکایی، خاطراتش را به گونه ای نوشته که به راحتی می توان بر آن عنوان "یادداشت های فرماندار نظامی آمریکایی ایران" را نهاد. بلافاصله پس از فرار شاه، تیمسارهای او به هایزر می گویند: "ما از این به بعد مطیع شما خواهیم بود." آنها هیچ اراده ای از خود ندارند. برای کوچکترین مورد نقل و انتقالات نظامی هم از هایزر دستور می گیرند. بختیار، آخرین نخست وزیر شاه هم هیچکاره است. ناخدای اصلی کشتی شکسته، هایزر است. او است که دستور می دهد فلان اعلامیه را از رادیو بخوانید، با خمینی تماس بگیرد، فلان نیرو را به این یا آن شهر بفرستید و ... با خواندن کتاب هایزر، ابعاد نوکر صفتی مزدورانی که اینک سنگ وطن پرستی و آزادیخواهی به سینه می زنند و می خوانند جنایات خمینی را وسیله تظہیر سلطنت و حکومت ننگین خود قرار دهند، روشن تر می شود.

ارتش شاهنشاهی و حمایت تیمسارها از دولت بختیار بوده است. او مدعی است در جریان مذاکرات پنهانی ویلیام سالیوان سفیر وقت آمریکا با ایوزیسون مذهبی رژیم شاه نبوده و با این مذاکرات موافقتی نداشته است. چه این ادعای او درست باشد و چه نادرست، از خاطرات او می توان فهمید که سیاست واشنگتن در قبال رویدادهای ۱۳۵۷ ایران را نمی توان با "حمایت صدر صد و یکجانبه از شاه تا آخرین لحظه" توضیح داد. هایزر می نویسد: "در واشنگتن عقاید متفاوت بود. پریزیدنت کارتر تا اواخر دسامبر امیدوار بود که بشود شاه را نجات داد. سایرین، کمتر خوش بین بودند. اما می بایستی به آنچه تصور نکردنی بود، فکری کردیم. حفظ روابط پایدار آمریکا و ایران به هر قیمت، در درجه اول اهمیت قرار داشت. طیف عقاید رسمی از اعزام یک نیروی تفنگداران سازش فوری با آیت الله را در بر می گرفت."

دولت آمریکا از یک سو می کوشید با فرستادن هایزر، که در مجیز کردن و سازماندهی ارتش شاهنشاهی طی دهه هفتاد نقش مهمی داشت و ژنرالهای شاه را شخصا می شناخت، فصایی مردم به دست این ژنرالها را رهبری کند، و از سوی دیگر، از طریق سفیر خود در تهران با بهشتی و بازرگان در تماس بود و به سکلگیری و تثبیت ائتلافی از روحانیت پیرو خمینی و لیبرالها یاری می رساند. در خاطرات هایزر چند بار به تمسای گسترده سالیوان با افراد مورد اعتماد خمینی اشاره شده است.

در کتاب هایزر این نکته به

از میان دیگر رویدادها

* اطلاعات ۱۱ بهمن - خبرگزاری فرانسه از

پاریس گزارش داد ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه اعلام کرده است که مذاکرات ایران و فرانسه برای عادی سازی روابط دو کشور در پاریس از سر گرفته شده است. شیراک در یک مصاحبه مطبوعاتی افزود که مرحله کنونی مذاکرات "مرحله قاطع" آن است.

* بنابه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی

روز یکشنبه ۱۹ بهمن، خامنه ای رئیس شورای عالی

نگاهی به خاطرات ژنرال هایزر

انقلاب مردم، زبونی ژنرالها و بندوبست های پنهان

دفتر سفیر آمریکا تا محل اقامت خود را که هر دو در محوطه سفارت است، به تنهایی طی کند. آقای ژنرال چهار ستاره، هول و هراس خود را در این چند لحظه به تمامی و با همه جزئیات مانند یک فیلم ترسناک، در خاطراتش نوشته است. از هر گوشه تاریک، از هر سایه، از هر درخت می ترسد، قلبش به شدت می تپد، گامهایش تند می شود و ۱۰۰ این همه، در سفارت آمریکا است که مامورین ساواک، حکومت نظامی و تفنگداران آمریکایی به شدت از آن محافظت می کنند!

ژنرالهای شاه و وضعشان از ارباب آمریکایی هم به مراتب رقت بارتر است. ربیعی فرمانده نیروی هوایی و توفانپان هر بار که هایزر را می بینند، می گویند بعد از شاه در کشور نخواهند ماند. همه ژنرالها، خانواده هایشان را همراه میلیاردها دلار ثروت مردم که غارت کرده اند، به خارج فرستاده اند و خودشان هم هر لحظه آماده فرزند. هایزر که از طرف کاخ سفید ماموریت دارد آنها را به ماندن در ایران ترغیب کند، از دست این نوکران بی کفایت عصبانی است. سرشان فریاد می کشد، آنها را "خائنین ترسو" می خواند.

مذاکرات بهشتی و بازرگان

با سالیوان

ژنرال هایزر می نویسد ماموریت او، تلاش برای حقاقتسجام

قره باغی آخرین رئیس ستاد شاه و توفانپان را با رژیم شاه با انحصارات تسلیحاتی غرب رده های مفصلی بر خاطرات هایزر در نشریات سلطنت طلبان نوشته اند. علت برآشفتنی آنها، تصویری است که هایزر از سرکردگان ارتش، یعنی مهمترین تکیه گاه شاه ترسیم کرده است: مشتکی جیون و پول پرست که "وطن" شان در جمد انشان است، از قتل و کشتار مردم هیچ ابایی ندارند اما به محض آنکه جدا احساس خطر کنند به موجوداتی حقیر و درمانده تبدیل می شوند.

خاطرات هایزر به گونه ای بسیار برجسته، اقتدار انقلاب را بازتاب می دهد. ژنرال آمریکایی، فرستاده ویژه کارتر رئیس جمهور آمریکا، حتی یک شب از اقامتش در تهران را بی وحشت و دغدغه سر نمی کند. هایزر می نویسد که از همان ابتدا، تمایلی به سفر به ایران برای هماهنگ کردن فعالیت های امرای ارتش ایران نداشته و او را به زور دستور نظامی فرستاده اند. به نوشته خودش، از روزی هم که وارد تهران می شود تا هنگام فرارش - از ۱۴ دی تا ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ - مهمترین نگرانی او حفظ جان خودش است! این وحشت ژنرال آمریکایی به قدری زیاد است که بازتاب آن در خاطرات او، حالت خنده داری پیدا می کند. شبی بر حسب اتفاق، هایزر ناچار می شود برخلاف معمول همیشه، مسیر بسیار کوتاه از

جنگ : تشدید حالت بن بست در بن بست

*** عراق : شهرهای ایران را بی وقفه در هم می کوبیم**
*** در جبهه جنوب مرد و رژیم به تحکیم مواضع خود بر ای یک کشتار وسیع دیگر مشغولند.**

ایران بی وقفه ادامه خواهد یافت. خمینی نیز در پیامی در روز ۱۶ بهمن خطاب به مردم و خاصه اهالی شهرهای بمباران شده ضمن تاکید بر روی تداوم جنگ، از مردم این شهرها خواست بجبها و موشکها را تحمل کنند و کمریندها را سفت تر ببندند. بدینسان با اعلام آمادگی مرد و رژیم برای کشتار هر چه بیشتر مردم بی دفاع شهرها، در هفته های آینده نیز حمله هر دو طرف به مناطق مسکونی یکی از اشکال اصلی جنایات دو رژیم خواهد بود.

در هفته گذشته رژیم خمینی برای دهمین بار پس از آغاز دور جدید بغداد را هدف حمله موشکی قرار داد. بصره نیز کماکان در زیر آتش بود. علاوه بر این دو شهر، جمهوری اسلامی قریب به ده شهر دیگر عراقی را (عمدتا در ناحیه کردستان عراق) زیر آتش توپخانه خود داشت.

فجایع ناشی از جنگ شهرها خارج از توصیف است. اکنون در ایران بسیاری از شهرها به صورت متروکه و مرده در می آیند. قم، اصفهان، تبریز، میانه، دزفول، شوشتر، بوشهر، شیراز و مریان از جمله شهرهایی هستند که بنا بر گزارش خود رادیوی جمهوری اسلامی در هفته گذشته بمباران شده اند. شهرها هم بی دفاعند. هواپیماها که سمری رسند گاه تا ۲۰ دقیقه با خیال راحت گرد شهر می چرخند و خانه ها را در هم می کوبند.

روزهای خونبار آهنده

جنگ شهرها بن بست جنگ را نمی شکند و تنها ظلیحه روزهای خونبارتری است. حالت بن بست در جبهه ها که تشدید می شود، مرد و رژیم به کشتار مردم بی پناه رومی آوردند تا در این فاصله برای دست زدن به حملات وسیعتری آماده شوند. اکنون این روزها فراتر از یک حد فاجعه بار، خونبارند. اما جبهه ها و شهرها اکنون در انتظار روزهای خونبارتری هستند.

در جبهه جنوب حالت بن بست پس از حملات اخیر، که خود بن بست در درون بن بست عمومی جنگ است، تشدید شده است. در آغاز هفته، عراق اعلام کرد که ۲۵ کیلومتر مربع از منطقه تصرف شده در اطراف دریاچه ماهی واقع در جنوب بصره را باز پس گرفته است. در اطلاعیه های نظامی تهران عمدتاً اصطلاح "تحکیم مواضع" تکرار می شد. جمهوری اسلامی مدعی شد که حمله عراقی ها را دفع کرده و ۲۲۰۰ سرباز عراقی را کشته است. ژنرال عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق، در هفته گذشته، ضمن طرح نتایج حمله اخیر عراق به مواضع تصرف شده از سوی جمهوری اسلامی تعداد کشته شدگان نیروهای ایرانی پس از آغاز دور جدید کشتارها را بین ۸۰ تا ۲۰۰ هزار نفر اعلام کرد. اگر چه می توان ارقامی را که از سوی مرد و رژیم خمینی و صدام حسین اعلام می شود، غلو آمیز تلقی کرد، اما همین ارقام این واقعیت را منعکس می کنند که مرد و رژیم تا چه حد به وسیعترین کشتارها مشغولند و تا چه حد دچار جنون گشته اند که تنها ارقام بالای ۱۰۰ هزار را با خوی خونریزی خود مخوان می بینند.

خبرهای مستقل از ایران همه حاوی سرازیر شدن سیل جنازه از جبهه ها به سوی شهرهاست. "سپاه محمد" که برای دست زدن به حملات کربلای ۵ و ۶ ایجاد شده بود، بخش عظیم نیروی خود را از دست داده و اکنون رژیم کوشش می کند با بسیج نیرو برای کرد آوری گوشت دم توب در "سپاه مهدی" جبهه های خون گرفته را بیشتر و بیشتر از انبوه جنازه ها تغذیه کند. در همین راستاست که حتی برای مدرسه ها سهمیه اجباری معین کرده اند و می روند که دانشگامها را کاملاً تعطیل کنند.

جنگ شهرها

در هفته گذشته شهرها همچنان عرصه اصلی بروز جنایتکاریهای خمینی و صدام حسین بود. روزنامه الجمهوریه ارگان رسمی رژیم صدام حسین اعلام کرد حمله به شهرهای



عفریت جنگ، از بام خانه به سراغت می آید

بقیه از صفحه اول

مرک می رود، در منطقه درود و فرمان و همچنین در روستاهای اطراف کامیاران. تنها باختران این گونه نیست. همانگونه که هواپیماهای مرک آور عراقی، ده فروند و بیست فروند، به فضای باختران وارد شده و ۲۰ تا ۲۵ دقیقه فارغ البال شهر را در هم می کوبند، به شهرهای دیگر نیز یورش می آورند، به اورمیه که گفته می شود در جریان بمباران اخیر ۱۰۰ تن کشته داد، به تبریز که در هفته های گذشته آماج دایمی حملات هوایی بوده است، به مریان که هدف همیشگی حملات است، به اصفهان، که هفته ای سه چهار بار بمباران می شود، به قم، به تهران، به اراک و شیراز و اهواز و خرم آباد و بروجرد و دزفول و مسجد سلیمان و دهها شهر دیگر. تصویر امروزی همه این شهرها، با آنچه که در مورد باختران گفتیم مشابهت تام دارد.

بر قطار قطار جنازه هایی که از جبهه می آورند، جنازه های بر خاک افتاده در پس حملات هوایی را بیغزایید، لحظات پر اضطراب پناه جستن در زیر زمین خانه، در زیر پل و در غار و شکاف صخره را بر اینها افزون کنید، و فر دم آمیزید، تجسم کنید که چگونه شیرازه حیات شهرها و روستاها از هم پاشیده شده است؛ چنین است حال روز کلونی شهرها و روستاهای ایران، در فضایی اینسان فاجعه بار بلندگوهای تبلیغاتی رژیم شب و روز نعره می کشند که جنگ، جنگ تانابودی و خمینی جلاد بی شرم همچنان دم از جنگ ۲۰ ساله می زند.

مردم سراپا خشمند. نفرت دیگر آن چنان واژه ای نیست که احساس مردم نسبت به جنگ را بازتاب دهد. نفرتی که جنگ بر می انگیزد بر مجموع نفرت مردم از رژیم افزوده می گردد.

جنگ تنها در جبهه جریان ندارد. آیا بستگان کشته شدگان در جبهه ها، خسود در شهرها و روستاها سالم مانده اند تا جنازه کسانشان را تحویل بگیرند؟ اکنون بسیاری از شهرها به صورت متروکه در آمده اند. مردم به شهرهای دوردست پناه می برند. امامه قادر به این کار نیستند. اما می ماند در روستاهای اطراف. اما روستاها نیز گنجهایش محدودی دارند. بعلاوه خود نیز چندان از حملات هوایی در امان نیستند. می ماند در دشت و بیابان و غار و کوه و کمر. "تنگ بزازخانه" در کوه پرپر تگاه پرو در شمال باختران دارای ۲۰ تا ۳۰ غار کوچک و بزرگ است. اکنون این غارها نیز خرید و فروش می شوند و حکم کالای کمیابی در کنار دیگر کالاهای بازار سیاه را یافته اند. از باختران تا "تنگ بزازخانه" چند ساعت راه است. راهی صعب العبور. مردم این راه را طی می کنند تا در غارها پناه جویند. به مرور شکاف صخره ها در نقاط مرتفع تر "پرو" نیز قیمتی شده اند.

در باختران "پناهگاه" جای دیگری هم موجود است! مردم در راههای شوسه روستایی و یا جاده های آسفالتی هر جا بلی که بر روی گذرگاه سیلاب احداث شده است یافته اند، این سو آنسوی را با سنگ و خشت تیغه کرده و در آن سکنی گزیده اند. روستاها غلغله شده است. در یک گزارش از باختران آمده است که تنها در دو اتاق در یک روستا ۱۴۰ نفر زندگی می کنند. باختران تازه خود پناهگاهی است برای اهالی شهرهای سرپل زهاب، قصر شیرین، سوزار و کیلان غرب. بر آوارگان این شهرها آوارگان باختران نیز افزوده گشته است. اکنون همه سرگردانند. در اطراف جاده شوسه ای که به سمت پل

مرگ بو خمینی

زنده باد صلح

صبح روز شنبه ۱۱ بهمن ماه هنگامیکه فدائیان خلق در بن پایتخت آلمان فدرال طبق روال هر هفته با برپایی میز کتاب و پخش اعلامیه در مونستر پلاتز به افشاکری علیه تهیه‌کنندگان رژیم منصور خمینی پرداخته بودند با حضور ناگهانی قریب ۱۲۰ تن از مزدوران جمهوری اسلامی که از سراسر این کشور بسیج و توسط "خانه ایران" سازماندهی شده بودند، روبرو گردیدند.

در پیشاپیش آنها تعدادی معلول جنگی و یک آخوند که آنان را رهبری می‌کرد، قرار داشتند. عوامل رژیم که تحت اجازه و مراقبت پلیس قرار داشتند، می‌خواستند توجه مردم را به استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی در جنگ برانگیزند.

خود فروختگان در حالی که عربده می‌کشیدند، کوشیدند رفقای ما و دیگر نیروهای سیاسی که در محل حضور یافته بودند را مورد ضرب و شتم قرار دهند. پلیس ضمن جلوگیری از این حرکت، آنها را دستاویزی برای ممانعت از فعالیت افشاکرانه نیروهای انقلابی قرار داد. اما این حرکات با ایستادگی مبارزین و اعتراض شهروندان آلمانی به نقش جانبدارانه پلیس، خنثی گردید. هر لحظه بر تعداد مبارزینی که همراه فداییان به افشای رژیم می‌پرداختند افزوده می‌شد. شعارهایی با مضامین مرگ بر خمینی، قطع جنگ، آزادی زندانیان سیاسی، این معلولین هم قربانی جنگ طلبی رژیم اند، با صلابت خشم آگیتی در میدان می‌پیچید. خود فروختگان که بتدریج مرعوب شده، در ضلع دیگر میدان قرار گرفته بودند، فریبکارانه علیه آمریکا شعار می‌دادند و صلوات می‌فرستادند. برخی از آلمانی‌ها، از مزدوران رژیم می‌پرسیدند چرا علیه آمریکا شعار می‌دهید. دولت شما دوست آمریکاست. روابطشان برای همه آشکار شده است. آمریکا و آلمان فدرال به حکومت شما اسلحه می‌دهند.

خود فروختگان در برابر این پرسش‌ها و شعارهای کوبنده میهن پرستان ایرانی، زیربار نگاههایی که خشم و انزجار بشریت ترقیخواه از جنایات ارتجاع حاکم بر ایران به خون تهیه در آنها موج می‌زد، چنان روحیه خود را باختند که در میدان تنها یک صدا ماند: مرگ بر خمینی، زنده باد صلح!

گزارشی از:

وضعیت بنزین در ایران جنگزده

در شماره گذشته نشریه بخش مربوط به اخراج و باز خرید کارگران در واحدهای صنعتی را از گزارش یک فدایی خلق در تهران به چاپ رساندیم. در این شماره بخش دیگری از این گزارش در مورد وضعیت بنزین و کویلی شدن آن درج می‌کنیم:

از مرداد ماه کمپایی بنزین تشدید شد. صف‌های طولیل مقابل پمپ بنزین‌ها و ایجاد بازار سیاه برای بنزین از کویلی شدن قریب الوقوع آن و ناتوانی رژیم در تهیه بنزین حکایت می‌کرد. کمبود بنزین در شهرستان‌ها شدیدتر بود. بطور مثال مسافرانی که در تابستان به شهرهای شمالی رفته بودند در بازگشت مجبور به خرید بنزین از بازار سیاه به قیمت لیتری ۶۰ تومان شدند. از همان زمان زمزمه کویلی شدن بنزین بر زبانها بود. در اواسط شهریور ماه دولت اعلام کرد که شایعه کویلی شدن بنزین کذب محض است. اما کسانی که با حکومتیان سروی داشتند به اشکال مختلف خود را برای بنزین کویلی آماده می‌کردند. در ستون آگهی‌های فروش اتومبیل، مرتب بر تعداد اتومبیل‌های ۶ و ۸ سیلندر عرضه شده برای فروش افزوده می‌شد و در مقابل بنگاه‌دارها و دیگر دست اندرکاران وسیعا به خرید اتومبیل‌هایی چون ژیان که مصرف بنزین کمی دارند رو آورده بودند.

در اوایل مهرماه با وجود آنکه در تهران وضعیت کم و بیش عادی بود در شهرستانها، صف‌های طولیلی برای دریافت بنزین تشکیل می‌شد. در برخی شهرها حتی طول این صف‌ها به ۱۵-۱۰ کیلومتر می‌رسید. مردم بسیاری در این شهرها می‌گفتند رژیم از تهران می‌ترسد و می‌افزودند چشم ما هم به تهران است.

روزی که در تهران بنزین کویلی شد بطور جدی جوی عصبی بر شهر حاکم بود. اکثر ماشین‌ها در پمپ بنزین‌ها و یا در کنار خیابان پارک شده در صف بنزین بودند. مسافری زیادی مجبور شدند مسافت‌های چند کیلومتری را پیاده طی کنند. رژیم که در این روز احتمال تقاضاها و درگیری را می‌داد

بخاطر تخفیف جو، گشتی‌های کمیته را از سطح شهر جمع کرد اما در عوض بسیجی‌ها را در پمپ بنزین‌ها سازمان داد. فحش به حکومت و اینجا و آنجا جمع شدن و بحث سیاسی کردن حالت هنگامی بخود گرفت. درگیری‌های متعددی با مامورین رژیم بوقوع پیوست اما این درگیری‌ها عمدتاً فردی بودند.

رژیم اعلام کرده بود که برای دریافت کویلی، حتماً می‌بایست سند به نام صاحب وسیله نقلیه باشد. در دو روز اول هر کسی سند را به بانک ارائه می‌کرد به او کویلی داده می‌شد اما پس از دو روز اگر سند "به نام" نبود بهیچ وجه کویلی داده نمی‌شد. با توجه به اینکه در تهران به علل مختلف تقریباً ۵۰ درصد موتورسیکلت‌ها و ۲۰ درصد اتومبیل‌ها "به نام" نیست یکی از موضوعات درگیری مردم با مامورین بر سر همین مساله بود.

چند روز پس از کویلی شدن بنزین صاحبان وانت‌های پلاک سفید حرکت قدرتمند و موفقیت آمیزی را به فرجام رساندند. تعداد کثیری از آنها در مقابل نخست وزیری اجتماع کردند و موفق شدند سهمیه روزانه بنزین خود را از ۲ لیتر به ۱۰ لیتر برسانند. خبر این موفقیت بسرعت در سطح تهران و برخی شهرستان‌ها پیچید و مردم با خوشحالی آن را نقل می‌کردند. صاحبان وانت‌های پلاک سفید بهیچ کدام از وعده و وعیدهای مسئولین اعتماد نکردند. آنها به معاون نخست وزیر گفتند تا رسا از طریق رادیو افزایش سهمیه اعلام نشود ما از اینجا تکان نمی‌خوریم. آنها پس از اعلام رسمی افزایش سهمیه وانت‌های پلاک سفید، وانت‌دارها متفرق شدند. پس از این موفقیت شنیدیم که تعدادی از شخصی‌های مسافرکش هم جلوی نخست وزیری رفته‌اند. مورد وانت دارها برای خودم بسیار جالب بود که چگونه این تعداد کثیر بدون هرگونه سازمانیافتگی بسیج شدند و در مقابل نخست وزیری ازدحام کردند. روز قبل از آن بر سر چهارراه‌ها تعدادی از

وانت‌دارها ایستادند و هر وانت پلاک سفید می‌دیدند به او می‌گفتند فردا، ساعت فلان جلونخست وزیری. وقتی شرایط مقتضی باشد با تعداد کمی می‌توان سازمان‌یافته‌ترین بخشهای مردم را بسیج کرد.

به دنبال کویلی شدن بنزین درگیری‌های متعددی با مامورین رژیم صورت گرفت. مزاری که من خود شاهد بودم و یا از دیگران شنیدم عبارت بودند از: انجام تظاهرات و سوزاندن ماشین کمیته در مقابل پمپ بنزین شهر تبریز. این خبر در سطح تهران نیز پخش شده بود. در "شهرزبان"ی تهران یک نفر که با یک کمیته‌چی بر سر گرفتن یک بیت ۴ لیتری بنزین بگومگو داشت از عصبانیت بنزین را روی زمین ریخت و آنها را به آتش کشید. خبر دیگری شنیدم که یک نفر از فرط عصبانیت به نشانه اعتراض در میدان انقلاب تهران اتومبیل شخصی خود را آتش زد. کویلی شدن بنزین کاهش قیمت پیکان به مقدار ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان را به دنبال داشت. بازار کویلی فروشی نیز در میدان گمرک و ۰۰۰ گرم شد. هر کویلی ۲۰ لیتری ۲۵۰،۲۰۰ و حتی ۳۰۰ تومان بفروش می‌رسید. در همان روزها در برخی پمپ بنزین‌ها نیز بنزین را مخفیانه لیتری ۱۵ تومان بفروش می‌رساندند.

تعدادی از بیکاران، بسیاری از کارمندان دولت، برخی از کارگران، در تهران و شهرستان‌ها از طریق "مسافرکشی" امرار معاش می‌کردند و یا از این طریق کمبود درآمد خود نسبت به هزینه‌های سرسام‌آور را جبران می‌ساختند. کویلی شدن بنزین برای این دسته از مردم فاجعه‌بار بود و هست. با این وجود هنوز برخی از آنها کویلی می‌خرند و مسافرکشی می‌کنند اما نرخ کرایه دو برابر شده است. مثلاً کرایه یک نفر از میدان انقلاب تا پیچ شیران که قبلاً ۲۵ ریال بود اکنون به ۵۰ ریال رسیده است. بموازات آن صف‌های طولیل اتوبوس‌های شرکت واحد طولیل و طولیل‌تر شده‌اند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

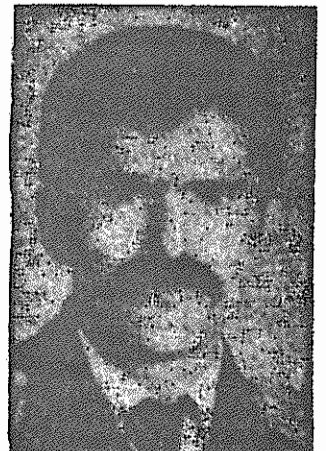
۱۹ بهمن

روزی که زنگ بزرگ خون به صدا درآمد و طوفان شکوفه داد

۱۹ بهمن سالروز اعلام موجودیت سازمان ماست. شانزده سال پیش در سال ۱۳۴۹، جمعی از بنیانگذاران جنبش فدایی، این عاشقان رهایی خلق، پهلوانان شهادت و استواری با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، تولد خونین این حماسه پویایی و رزمندگی را اعلام داشتند.

در سالروز اعلام بنیانگذاری سازمان، یاد رفیق علی اکبر صفائی فراهانی فرماده عملیات جنگل و ۱۴ تن از همزمان او را که نخستین گروه شهیدان فدایی بوده اند گرامی می داریم.

هوشنگ نیری



رفیق نیری زمستان ۲۷ در لاهیجان متولد شد. در اواخر ۴۸ فعالیت های سیاسی اش را آغاز کرد. او یکی از ۹ تن افراد تیم کوه بود که در سحرگاه ۲۶ اسفند ۴۹ به همراه ۱۲ تن از یارانش تیرباران شد.

محمد علی

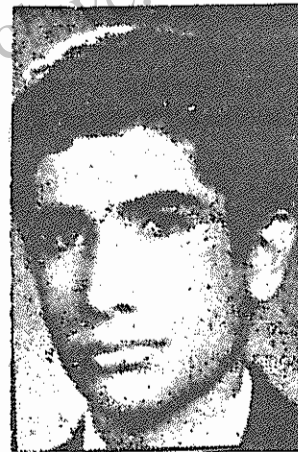
محدث قندچی



علی اکبر صفائی فراهانی

زادگاهش اراک بود. از هنرستان صنعتی تهران فارغ التحصیل شد و در همین دوره ضمن عضویت در گروه جزئی در جبهه ملی نیز فعالیت داشت. در سال ۴۶ به همراه صفاری آشتیانی به فلسطین رفت و در اردوگاه فلسطینی ها به درجه سرگردی رسید. در سال ۴۸ به ایران بازگشت و گروه سیاهکل را تجدید سازمان داد. صفائی در حمله به پاسگاه سیاهکل رهبری تیم کوه را داشت. در سپیده دم ۲۶ اسفند ۴۹ تیرباران شد.

محمد رحیم سمایی



رفیق سمایی در سال ۱۳۲۶ در تهران متولد شد. سالهای اول دبیرستان وی مصادف با جنبش سالهای ۴۲-۳۹ بود و فعالیت سیاسی او از همین زمان آغاز شد. در سال ۴۴ به عضویت در تیم کوهنوردی کاره درآمد که توسط رفقا صفائی فراهانی، کلانتری، جلیل انفرادی و اسکندر صادقی نژاد سازماندهی شده بود. چندی بعد بدنبال آشنائی با حمید اشرف وارد تیم کوه شد. در ۱۵ شهریور ۴۹ به فرماندهی رفیق صفائی حرکت نظامی خود را آغاز کرد. پس از نوزده بهمن در یک درگیری نابرابر که ۲۲ روز بطول انجامیده بود بدست ماموران ساواک کشته شد.

هادی

بنده خدا لنگرودی

رفیق هادی در سال ۱۳۱۹ در لنگرود متولد شد و پس از اتمام دوره متوسطه در سال ۴۲ وارد دانشکده پلی تکنیک گردید. چون در اعتصابات ۴۶ بطور مستمر شرکت کرده بود از دانشکده اخراج شد و به سربازی رفت. دو سال بعد به عضویت در گروه درآمد و در بخش خارج شهر به فعالیت پرداخت.

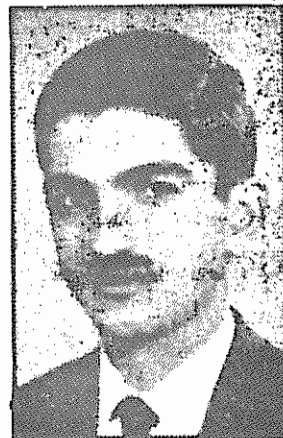
در شهریور ۴۹ به همراه تیم کوه به جنگل های شمال رفت و دوره شناسایی آموزشی را بمدت ۶ ماه به پایان رسانید. او در جنگل های سیاهکل دستگیر و در اسفند ۴۹ اعدام شد.

غفور حسن پوراصیل

بسال ۱۳۲۱ در لاهیجان متولد شد. از پایه گذاران سازمان صنفی دانشکده پلی تکنیک بود. در سال ۴۴ به گروه جزئی - نظریه پیوست. رفیق غفور حسن پور در سال ۴۸ بدنبال دستگیری گروه فلسطین توسط پلیس شناسائی و در ۲۲ آذر ۴۹ دستگیر شد. بدنبال آن باتفاق ۱۲ تن از همزمانش در تیم کوه (سیاهکل) در ۲۶ اسفند همان سال جلو جوخه آتش قرارگفت.



محمد هادی فاضلی

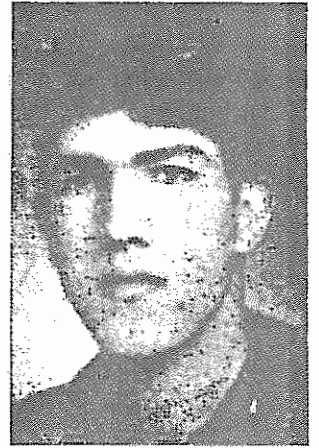


رفیق فاضلی در سال ۴۵ در رشته برق دانشکده پلی تکنیک فارغ التحصیل شد و یکسال بعد به گروه جزئی - نظریه پیوست. در ارتباط با گروه سیاهکل در گروه شهر در سمنه به بانک ایران و انگلیس شرکت داشت. دوازده بهمن ۴۹ بازداشت و چهارده روز بعد تیرباران شد.



بنده خدا لنگرودی

★ ناصر
سیف دلیل صفایی



رفیق ناصر در سال ۱۳۲۲ در سنگسر متولد شد. در سال ۱۳۴۰ با عنوان شاگرد اول استان مازندران وارد دانشکده پلی تکنیک تهران شد. او مدتی از اعضای هیات مدیره جامعه فارغ التحصیلان بود و پس از اتمام دوره سربازی در کارخانه تولید ابرو بکار پرداخت و در سال ۴۶ به گروه جزئی - ظریفی پیوست. وی در ۱۲ بهمن ۴۹ بازداشت و پس از یک دوره شکنجه تیرباران شد.

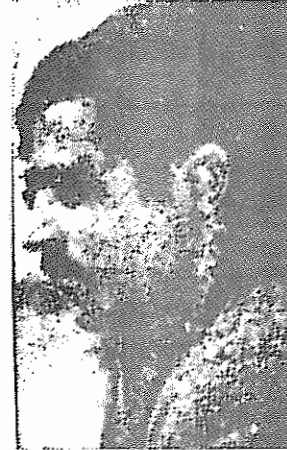
★ احمد فرهودی

متولد ساری بود و کارمند اداره دارایی. در سال ۴۶ فعالیت سیاسی اش را در گروه احمدزاده آغاز کرد.

او در اولین تیم رزمنده ای بود که پس از تعیین مشی سیاسی - نظامی گروه همراه ستن از رفقایش به بانک ونگ حمله کرد. چهارماه پس از این واقعه به گروه سیاهکل پیوست. رفیق فرهودی پس از دستگیری در ۲۶ اسفند ۴۹ تیرباران شد.



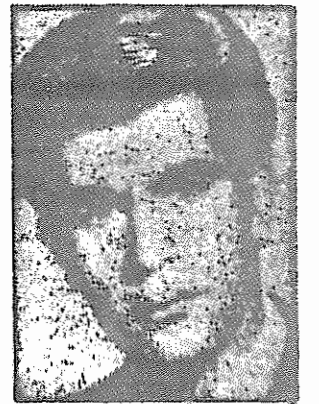
★ جلیل انفرادی



★ اسکندر رحیمی

رفیق رحیمی سال ۱۳۲۶ در لامیجان بدنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات دوره سپاهگیری را در کردستان گذراند، همزمان با جریان مسلحانه برهبری شریفزاده در کردستان بوده و در تیم تدارکات فعالیت داشته است.

پرونده زندگیش در ۲۶ اسفند ۴۹ که به همراه ۱۲ تن از یارانش جلو جوخه اعدام رفت، بسته شد.



★ اسماعیل معینی عراقی



در سال ۱۳۲۱ در شهر اراک متولد شد و در سال ۱۳۴۵ در رشته برق از دانشگاه پلی تکنیک فارغ التحصیل گردید. یکسال بعد به گروه جزئی - ظریفی پیوست. در ارتباط با گروه سیاهکل در تیم شهر فعالیت می کرد. در تاریخ ۱۲ بهمن ۴۹ در محل کار خود، شرکت سهامی تلفن بازداشت شد. و کمی بعد در جلو جوخه اعدام ایستاد و دفتر زندگیش بسته شد.

★ عباس دانش بیزادی



رفیق دانش بیزادی در سال ۱۳۲۱ در بم متولد شد. پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد دانشکده دامپزشکی شد. در دانشگاه به همراه قندچی، حسن پور، حمید اشرف، هادی فاضلی و صفائی فرامانی فعالیت های سیاسی اش را آغاز کرد. او جزو آخرین افرادی بود که در سیاهکل زنده دستگیر شد و بعد از مدتی در اسفند ۴۹ به جوخه اعدام سپرده شد.

کارگر جوشکار که به همراه اسکندر صادقی نژاد، سندی کای فلزکار مکانیک را ایجاد کرد، وی کوهنوردی سابقه ای بود که در گروه کاوه به فعالیت پرداخت.

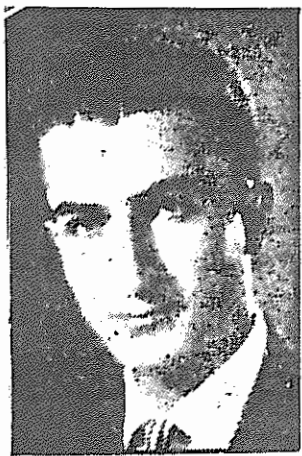
از سال ۴۴ در تماس با گروه جزئی - ظریفی و پس از دستگیری گروه در سال ۴۶ و تجدید سازمان آن در سال بعد به فعالیت ادامه داد. رفیق جلیل انفرادی در ۲۶ اسفند ۴۹ تیرباران شد.

★ شاه الله

مشیدی

رفیق مشیدی در سال ۱۳۲۱ در شهر رشت متولد شد. در سال ۴۰ بعنوان شاگرد ممتاز در کنکور پلی تکنیک تهران شناخته شد و در رشته برق به تحصیل پرداخت. پس از اتمام دوره سربازی در قسمت فنی رادیو تلویزیون و سپس در شرکت مخابرات ایران بکار اشتغال داشت.

رفیق مشیدی در سال ۴۶ در ارتباط با سیاهکل در گروه شهر با تفاق فاضل، معینی عراقی در جهت تدارک عمل مسلحانه فعالیت می کرد. در تاریخ ۱۲ بهمن ۴۹ بازداشت و پس از یک دوره شکنجه تیرباران شد.



★ محمد

مهدی اسحاقی

رفیق مهدی اسحاقی عضو گروه جنگل بود. در کوههای منطقه سیاهکل تا آخرین گلوله با مزدوران شاه نبرد کرد و در همانجا به شهادت رسید.



جاودان باد خاطره شهیدان فدایی!

تزه‌های گزارش دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در پلنوم ۲۷ ژانویه (۱۹۸۷) کمیته مرکزی

پیرامون نوسازی و سیاست حزب در مورد کادرها

ترجمه از نشریه "مسکوفسکاپا پیر او ادا" ۲۸ ژانویه ۱۹۸۷

این‌ها تماما در رشد و تکامل بسیاری از شئون حیات جامعه تاثیر منفی به جای می‌گذارد. برنامه تولید مادی ظرف سه پنجاه ساله اخیر - از آغاز سال‌های ۷۰ - در اکثر شاخص‌های خود اجرا نگردیده است. اقتصاد در مجموع، آنچنان شد که نسبت به پدیده‌های نو حساسیت کمی داشت و غیر متحول بود، کیفیت بخش قابل توجهی از محصولات از پاسخگویی به نیازهای معاصر بازماند و عدم توازن در تولید تشدید شد.

فرآیندهای منفی عرصه اجتماعی را نیز در بر گرفتند. در عین حال موفقیت آمیز مسائل اشتغال اهالی و تامین تضمینات اجتماعی اصولی، مانع آنستیم در امر بهبود وضعیت مسکن، تامین خواربار، سازماندهی حمل و نقل، خدمات پزشکی، آموزش، و در حل شاری از معضلات حاد، از امکانات سوسیالیسم به طور کامل بهره‌گیری نمانیم.

در مهمترین اصل سوسیالیسم یعنی در اصل توزیع بر حسب کار اختلالاتی نمودار گردید. با درآمدهای غیرکاری قاطعانه مبارزه نمی‌شد. روحیات طفیلی‌گری رشد کرد و روحیه "برابر سازی" در بسیاری از مردم ریشه دوانید.

عناصر رکود اجتماعی که در سال‌های اخیر بوجود آمدند بر روحیه معنوی جامعه تاثیر منفی گذاردند، و ارزش‌های والا اخلاقی را که همیشه خصیصه خلق ما و موجب افتخارمان بوده است یعنی اعتقاد ایدئولوژیک، شوق کار، و مهربان‌پرستی شوروی را، به گونه‌ای فرسودند. پی‌آمدهای گریزناپذیر این امر عبارتند از تنزل علاقه به امور اجتماعی، مظاهر ابتذال و بی‌باوری، و افت انگیزه‌های اخلاقی در کار.

نارسائی‌های جدی در پرورش ایدئولوژیک - سیاسی، در بسیاری موارد با برگزاری برنامه‌ها و تشریفات رسمی و جشن گرفتن مناسبت‌های بی‌شمار، چه در مرکز و چه در دیگر نقاط، استتار می‌شد. واقعیت‌های روزمره با آنچه که در حکم واقعیات نمایانده می‌شده، هر چه بیشتر از یکدیگر فاصله می‌گرفتند.

موارد بی‌اعتنائی نسبت به قوانین، کلاه برداری و ارتشاء، و تشویق چاپلوسی و مجیزگوئی تاثیر هلاکتباری بر فضای اخلاقی در جامعه به جای گذاشت.

ایدئولوژی و روانشناسی رکود در وضعیت عرصه فرهنگ، ادبیات و هنر هم بازتاب یافت. معیارهای ارزش گذاری آثار هنری افت کرد. این امر موجب گردید که به موازات آثاری که در آن‌ها مسائل جدی اجتماعی - اخلاقی طرح می‌شد و تصادفات واقعی زندگی انعکاس می‌یافت، آثار معمولی و بی‌خاصیت زیادی هم منتشر شود که نه برای اندیشه‌ونه برای احساس چیزی در خودند اشتند.

بود. سوسیالیسم رشد یابنده، دیالکتیک نیروهای محرکه و تضادهای آن، و وضعیت واقعی جامعه به موضوع پژوهش‌های عمیق علمی تبدیل نشدند.

احکام لنینی در مورد سوسیالیسم به گونه‌ای مبتدل تفسیر می‌شدند و عین و اهمیتشان غالباً سلب می‌گردید. این امر در مورد مسائل کلیدی نظیر مساله مالکیت اجتماعی، مناسبات طبقاتی و مناسبات میان ملت‌ها، حد کار و خدمت صرف، تعاون، شیوه‌های اداره امور اقتصاد، حکومت مردم و خودگردانی، و یک رشته مسائل دیگر نیز صادق بود. تصورات سطحی پیرامون کمونیسم، غیب‌گویی‌های گوناگون و افکار تجریدی رواج معینی پیدا کرده بود.

وضعیت جبهه تئوریک بر حل مسائل عملی تاثیر منفی می‌گذاشت. در طول دهه‌ها، در پراتیک اداره امور اقتصادی و مدیریتی، شیوه‌های منسوخ حفظ می‌گردید و برعکس، برخی اشکال اقتصادی تخریب‌بخش بی‌دلیل تفتی می‌شد. تولید و انگیزش کار در اساس متوجه رشد کمی سطحی بود.

کنترل بر آن که چه کسی و چگونه از مالکیت سوسیالیستی بهره‌ای گیرد جدا تضعیف شد. غالباً "حوزه" نفع طلبی‌های اداری و محلی مالکیت سوسیالیستی را می‌خورد، این مالکیت به چیزی گویا "بی‌صاحب"، رایگان، و فاقد مالک حقیقی تبدیل می‌شد و در بسیاری موارد به خدمت کسب درآمدهای غیرکاری در می‌آمد. برخورد نادرست به مالکیت تعاونی، برای سیاست کشاورزی و اجتماعی عواقبی منفی ببار آورد.

سوء نظر نسبت به مناسبات کالا - پولی و عمل قانون ارزش، و بسیاری اوقات هم رود رو قرار دادن آن‌ها به مثابه چیزی نام سنگ با سوسیالیسم، به برخورد‌های اراده گرایانه در اقتصاد، کم بهادادن به خودکفایی و "برابری" در پرداخت کار منجر شد و مبنای ذهن گرایانه در قیمت گذاری، اختلال در گردش پول، و بی‌توجهی به مسائل تنظیم عرضه و تقاضا را موجب گردید. به ویژه محدودیت‌های حقوق خودکفائی موسسات و اتحادیه‌ها عواقب سختی در برداشتند. این امر به پایه‌های انگیزش مادی آسیب وارد می‌آورد، حصول به نتایج نهائی عالی را مانع می‌شد و به تنزل تحرک کاری و اجتماعی انسان‌ها، و کاهش انضباط و نظم منجر می‌گردید.

در ماهیت امر، سیستم کامل تضعیف ابزارهای اقتصادی حکومت بوجود آمد و مکانیسم خاصی شکل گرفت که رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی را ترمز می‌کرد و از تحولات مترقی که کشف و بهره‌گیری از برتری‌های سوسیالیسم را میسر می‌سازد جلوگیری بعمل می‌آورد. ریشه‌های این امر در نارسائی‌های جدی عملکرد نهادهای دموکراسی سوسیالیستی، در جهت‌گیری‌های سیاسی و تئوریک منسوخ و گاهی نامتناسب با واقعیت‌ها، و در مکانیسم محافظه کارانه اداره امور بود.

مساله نوسازی و سیاست حزب در مورد کادرها که برای تحقق موفقیت آمیز استراتژی سیاسی مصوب پلنوم آوریل (سال ۱۹۸۵) کمیته مرکزی و کنگره ۲۷ حزب، از اهمیت درجه اول برخوردار است موضوع بحث پلنوم اخیر را تشکیل می‌دهد. این مساله در گستره وسیع اجتماعی - سیاسی و با در نظر داشت درس‌های گذشته، خصلت لحظه کنونی، و وظایف آئینده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پلنوم آوریل و بیست و هفتمین کنگره حزب، با تحلیل عینی و نقادانه وضعیت شکل گرفته در جامعه، راه کشودند و تصمیماتی تاریخی به لحاظ مقدرات کشور اتخاذ نمودند. نوسازی در جامعه بدون انحراف آغاز گردید و در این راه نخستین گام‌ها برداشته شد. نخستین نتیجه سیاسی آن است که تحولات عظیمی در حیات جامعه شوروی در جریان است و روندهای مثبت نیرو می‌گیرند. مشی سیاسی کنگره ۲۷، فعالیت عملی حزب در جهت تحقق آن، و خود نوسازی، از پشتیبانی وسیع خلق شوروی برخوردار شده‌اند.

در عین حال، تغییرات در جهت بهبود به کندی جاری می‌شود، امر نوسازی دشوارتر و علل و ریشه‌های مسائل روی هم انباشته شده در جامعه، عمیق‌تر از آنچه که در گذشته تصور می‌شد از کار درآمده است. لذا ضرورت دارد مجدداً به تحلیل آن مسائل باز گردیم که حزب و جامعه شوروی در سال‌های اخیر (قبل از پلنوم آوریل سال ۱۹۸۵) کمیته مرکزی) با آن‌ها مواجه گردیده‌اند. باید علل فرآیندهای منفی را درک کنیم و تدابیری بیاندیشیم که حرکت ما را تسریع کند و ما را از تکرار اشتباهات مصون بدارد.

قریب هفت دهه پیش از این، حزب لنین پرچم نلفر نمون انقلاب سوسیالیستی را بر فراز کشور به اهتزاز درآورد. دستاوردهای خلق شوروی در راه تحولات سوسیالیستی، عظیم و غیرقابل تردید است. اما هرگونه موفقیت و حتی عظیم‌ترین آن‌ها نباید نه تضادهای رشد جامعه و نه اشتباهات و لغزش‌های ما را تحت الشعاع قرار دهد. از مرحله معینی، کشور ما آهنگ حرکت خود را از دست داده، دشواری‌ها و مسائل حل نشده روی هم انباشته شدند و رکود و دیگر پدیده‌های بیگانه با سوسیالیسم به ظهور رسیدند.

رشد و تکامل کشور، البته، متوقف نشد. دهها میلیون انسان شوروی صادقانه کار می‌کردند و بسیاری از سازمان‌های حزبی و کادرهای مافعالانه در جهت منافع خلق عمل می‌نمودند. این همه در حکم مانعی در راه فرآیندهای منفی بود ولی نمی‌توانست جریان آن‌ها را متوقف کند.

در گزارش اینگونه جمع‌بندی می‌شود که بر سیاست و فعالیت عملی گذشته نزدیک ما روحیات محافظه کارانه، ماند، و گرایش به روی‌گرداندن از هر آنچه که در قالب مالوف نمی‌گنجد حکمفرما گردید.

حد درک مسائل حیاتی و تضادها تا اندازه زیادی به وضعیت رشد و تکامل اندیشه تئوریک وابسته بوده است. رهنمود لنین مبنی بر آن که ارزش تئوری در تجسم دقیق "تمامی آن تضادهائی است که در زندگی وجود دارند" غالباً نادیده گرفته می‌شد. نظریات تئوریک پیرامون سوسیالیسم عمدتاً در سطح سال‌های ۲۰ و ۴۰، یعنی زمانی که جامعه به انجام وظایف کاملاً متفاوتی مشغول بود، باقی مانده

علیرغم تمام کار عظیم حزب و کادرهای آن، به هر حال ارکان‌های حزبی نتوانستند خطر افزایش روند‌های منفی در جامعه و در رفتار بخشی از کمونیستها را به موقع و نقادانه ارزیابی کنند و تصمیماتی را که زندگی مصرانه می‌طلبید اتخاذ نمایند.

بسیاری از سازمان‌های حزبی نتوانستند در مواضع اصولی باقی بمانند و با پدیده‌های منفی، خودکامگی، پارته‌بازی، و با تضعیف انضباط و رواج مشروب‌خواری مبارزه کنند. بسیاری اوقات در مقابل مظاهر نفع‌طلبی اداری، محلی، و ناسیونالیستی ایستادگی لازم به عمل نمی‌آمد.

جمعی بودن کار نقش می‌گردید و نقش جلسات حزبی و ارکان‌های انتخابی تضعیف می‌شد. بسیاری از اعضای حزب که پست‌های رهبری را احراز کرده بودند و رای کنترل و انتقاد قرار گرفتند. تضمین‌های اساننامه‌ای پیرامون پاکیزگی صفوف حزب، غالباً نافذ نبودند.

این همه، گواه آن است که اوضاع در عرصه‌های مختلف جامعه ما تا چه اندازه وخیم و تحولات عمیق تا چه اندازه ضروری بوده است.

در این شرایط مساله تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشور و نوسازی هم مطرح شد. در واقع صحبت بر سر تحول و تدابیری با خصلت انقلابی است. راه دیگری وجود ندارد، نباید عقب‌نشینی کنیم و جایی هم برای عقب نشینی نداریم. ما موظف هستیم خط‌مشی پلنوم آوریل (سال ۱۹۸۵) و کنکره ۲۷ را پیگیرانه و بلاانحراف جامعه عمل ببوشانیم، به پیش برویم و جامعه را به سطح کیفیتا جدید رشد و تکامل برسانیم.

دفتر سیاسی معتقد است که نوسازی عبارت است از غلبه قاطع بر فرآیندهای رکود، درهم شکستن مکانیسم ترمز، ایجاد مکانیسم مطمئن و موثر تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی جامعه شوروی. ایده اصلی استراتژی ما آمیختن دستاوردهای انقلاب علمی - فنی با اقتصاد با برنامه، و وارد عمل کردن تمام ظرفیت سوسیالیسم است.

هدف غائی نوسازی عبارت است از نو کردن تمامی جوانب حیات کشور، تجهیز سوسیالیسم به امروزی‌ترین اشکال سازماندهی اجتماعی، و آشکار کردن هر چه کامل‌تر خصلت بشردوستانه این نظام در تمامی وجوه اصلی آن یعنی در وجوه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و اخلاقی.

امروز نوسازی در سراسر جبهه دامن می‌گسترده. نوسازی، کیفیت نوینی به خود می‌گیرد، یعنی نه تنها در عرض گسترش می‌یابد، بلکه در رگه‌های عمقی زندگی نیز رسوخ می‌کند. جو اخلاقی - معنوی جدیدی در کشور نضج می‌یابد، ارزش‌ها باز ارزیابی می‌شوند و علنیت، حق‌گوئی در ارزیابی پدیده‌ها و رویدادها، سازش ناپذیری با نارسائی‌ها، و میل به بهبود امور، به مثابه اصولی که فعالانه در کار هستند استحکام می‌یابند. سخت‌گیری و انضباط، و سازمان یافتگی در تولید ارتقایی می‌یابند، نظم بیشتر شده است.

کار در جهت تحولات ریشه‌ای در زیربنای مادی - فنی و بازسازی عمیق اقتصاد ملی بر پایه پیشرفت علمی - فنی آغاز شده است و تغییراتی در سیاست ساختاری و سرمایه‌گذاری وارد آمده است. اقدامات عظیمی در جهت تکامل مدیریت و مکانیسم اداره امور اقتصاد در دست اجراست. اصول جدید افزایش دستمزد تهیه و تنظیم شده و به اجرا در می‌آید، محدودیت‌های بی‌اساس فعالیت کاری

انفرادی لغو شده است، و سازمان‌یابی تعاونی در عرصه‌های مختلف تولید و خدمات مورد تشویق قرار می‌گیرد.

در گزارش، نتایج اجرای برنامه رشد و تکامل اقتصادی و اجتماعی در نخستین سال پنجساله دوازدهم تجزیه و تحلیل می‌شود. در عین حال تاکید می‌شود که امروز - یعنی هنگامی که نوسازی در مرحله آغازین خود قرار دارد - به ویژه ضروری است که از موضع واقع‌بینی و ارزیابی عینی نسبت به کارهای انجام شده حرکت کنیم و به نتایج کار تنها نه از زاویه گذشته، بلکه به طور عمده بر مبنای برنامه‌های اعلام شده از جانب حزب و تعهدهای پذیرفته شده بنگریم. این یگانه برخورد صحیح حزبی است.

مردم شوروی همراه با ارج گذاری به مشی حزب در جهت نوسازی، نسبت به سیر اجرای عملی آن اظهار نگرانی می‌کنند. آنها از حزب می‌طلبند تا در آنچه که حاصل شده است توقف نکند، قاطعانه عمل کند، به پیش برود، و مشی مزبور را جامه عمل ببوشاند. از این امر باید نتیجه‌های سیاسی گرفت.

تحلیل اوضاع و تجربه نوسازی عمده‌ترین سؤال را با وحدت تمام پیش می‌کشد:

آیا تضمین‌هایی در دست هست که فرآیند آغاز شده تحولات تا به آخر ندوم یابد، که اشتباهات پیشین تکرار نشود و ما بتوانیم رشد و تکامل تمام عیار جامعه‌مان را تأمین کنیم؟

این تضمین‌ها وجود دارد. این تضمین اراده واحد و اقدامات مشترک حزب و مردم است که مشترکا در تجربه آنچه که پشت سر گذاشته ایم و در درک مسئولیت در قبال حال و آینده میهن سوسیالیستی سهیم هستند. این تضمین حزب لنینی ماست که از ظرفیت خلاق عظیمی برخوردار است. اما ما نمی‌توانیم به این تضمین‌ها همچون چیزی مستقل از خودمان که در هر شرایطی گویا به طور خودبخودی عمل خواهد کرد بنگریم. دفتر سیاسی این تضمین‌ها را با کشف و به کارگیری هر چه کامل‌تر امکانات، ژرف سوسیالیسم به مثابه نظام نوین اجتماعی، و به طور عمده با گسترش همه‌جانبه دموکراسی سوسیالیستی، و شرکت واقعی توده‌های خلق در حل و فصل تمامی مسائل حیات جامعه مربوط می‌داند.



نظام سوسیالیسم آزادی‌های شخصی و حقوق سیاسی و اجتماعی - اقتصادی واقعا وسیعی به زحمتکشان ارزانی داشته است و در عمل برتری‌های بسیار عظیم دموکراسی شوروی را اثبات کرده است. اما امروز حرکت شتابان به پیش، تنها در صورت تحرک بخشیدن با تمام نیرو به عامل انسانی، و رشد و تکامل بیشتر اشکال دموکراتیک مختص سوسیالیسم امکان‌پذیر است. جوهر مشی حزب در جهت تعمیق خودگردانی سوسیالیستی خلق در این امر نهفته است.

ما این فرآیند را آغاز کرده ایم. تمامی شئون حیات جامعه در حال دموکراتیزه شدن است. زندگی سازمان‌های حزبی پرمایه‌تر می‌شود، علنیت، انتقاد و انتقاد از خود گسترش می‌یابند، و مسائل ارتباط جمعی فعالانه‌تر عمل می‌کنند، و سازمان‌های جدید اجتماعی تشکیل می‌شود. مشارکت زحمتکشان در امور اجتماعی و در اداره امور کشور افزایش می‌یابد.

حزب، با دیدی وسیع و با در نظر داشت تمامی حلقه‌های سیستم سیاسی کشور و همه اجزای مدیریت و مکانیسم اقتصادی، به دموکراتیزه کردن جامعه

شوروی و سیاست حزب در مورد کادرهای پرده‌آزاد. رشد و تکامل دموکراسی در تولید و به کارگیری پیگیر مبنایی خودگردانی واقعی از اهمیت درجه اول برخوردار است. باید چنان شرایطی فراهم آورد و چنان اشکالی از سازماندهی تولید را به کار گرفت که هر زحمتکش بتواند خود را صاحب واقعی موسسه خود بداند.

مسائل مربوط به استفاده شمر بخش از تمامی اشکال دموکراسی مستقیم در "قانون کارخانجات (موسسات) دولتی" تجلی خواهند یافت و پیشنهادهای می‌شود که پیش‌نویس این قانون به مباحثه سراسری گذارده شود. واگذاری اختیارات جدی به مجمع عمومی و شورای کلکتیوهای کار در رابطه با امور تولیدی، اجتماعی و کادرها - اختیاراتی که در پیش‌نویس در نظر گرفته شده است - به تکامل کیفی مناسبات اجتماعی خواهد انجامید.

کالخورها و تعاونی‌های سوسیالیستی به طور کلی از امکانات وسیعی برای دموکراتیزه کردن فرایندهای مدیریت اقتصاد و عرصه اجتماعی برخوردارند. در بسیاری از جمهوری‌ها، مناطق، و ایالات اقداماتی که در جهت گسترش اشکالی از تعاونی که چشم‌انداز خوبی دارند انجام شده است. این اقدامات شایسته پشتیبانی است.

مهمترین مساله رشد و تکامل دموکراسی در تولید، پیشبرد انتخابی بودن رهبران کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، شعبه‌ها، بخش‌ها، و موسسات دامپروری، و نیز انتخابی بودن استادکاران و سرپرستان بریگادهاست. گذار به شیوه‌های نوین اداره امور اقتصاد، خودکفائی، خوداتکائی مالی و تأمین هزینه‌ها این مساله را به حیطة عمل می‌کناند.

دموکراتیزه کردن فرآیند شکل‌گیری کادرهای رهبری بر پایه کاربست سراسری مبنایی انتخابی در حکم گامی ثوبه پیش است و به شرکت زحمتکشان در اداره تولید اصولا خصلت دیگری می‌بخشد. سازمان‌های حزبی و اجتماعی، و ارکان‌های مدیریت اقتصاد در شرایط جدیدی قرار می‌گیرند. انتخابی بودن کارمندان رهبری در تولید نه تنها ریاست یک فرد واحد را نقش نمی‌کند، بلکه برعکس آن را تحکیم می‌بخشد. تلفیق ارگانیک ریاست واحد و کار جمعی، اصل لنینی سانترالیسم دموکراتیک و رهبری با برنامه و متمرکز را با اتکا به کلکتیو و توده‌ها، تعمیق می‌بخشد و رشد و تکامل می‌دهد.

دفتر سیاسی تکامل سیستم انتخاباتی را راستای اصولی دموکراتیزاسیون می‌داند. مکانیسم کنونی این سیستم، شکل‌گیری دموکراتیک شوراها و نمایندگی دموکراتیک تمامی اقشار اهالی در این شوراها را تأمین می‌کند. اما همانند تمامی نهادهای سیاسی و اقتصادی، سیستم انتخاباتی نیز نمی‌تواند را کند بماند و از فرآیندهای مربوطه نوسازی بری باشد. مساله در آن است که به انتخاب کننده امکان داده شود نظر خود را نسبت به تعداد بیشتری از نامزدها بیان کند و یک سلسله عناصر فرمالیستی از تشریفات رای‌گیری زدوده شود.

گسترش دموکراسی درون حزبی، در وهله اول در جریان تشکیل ارکان‌های رهبری سازمان‌های حزبی در تمامی سطوح، از ضرورت هر چه بیشتری برخوردار می‌شود. در گزارش پیشنهادهای مشخصی در این رابطه گنجانده شده است.

دموکراتیزه کردن جامعه، مساله کنترل بر چگونگی کارکرد ارکان‌های حزبی، شورائی و اقتصادی و کادرهای این ارکان‌ها را نیز به شیوه‌ای بقیه در صفحه بعد

توزیع گزارش...

بقیه از صفحه قبل

نویس طرح می‌کند. ارتقا سطح و اثربخشی کنترل "از پائین" به منظور آن که هر رهبر و هر مقام مسئول همیشه مسئولیت و وابستگی خود را در برابر انتخاب کنندگان، کلکتیوهای کار، سازمان‌های اجتماعی، و در برابر حزب و خلق در مجموع خود احساس کند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در نظر است تا گزارش‌دهی سیستماتیک تمامی مقامات مسئول انتخابی و انتصابی برقرار گردد، اصول دموکراتیک کار اجلاس‌ها و کمیسیون‌های دائمی شوراهای استحضام یابد، علینیت در فعالیت سازمان‌های دولتی و اجتماعی گسترش پیدا کند، سیستمی از انواع گوناگون بررسی و بازرسی سروسامان داده شود.

دموکراسی واقعی در خارج و یادورای قانون وجود ندارد. مطابق رهنمودهای کنگره ۲۷، کار عظیمی در جهت تهیه و تصویب قوانین جدید در رابطه با رشد و تکامل اقتصاد و فرهنگ، و خودگردانی سوسیالیستی، و در رابطه با گسترش حقوق و آزادی‌های شهروندان در پیش است. تاکید می‌شود که دموکراسی سوسیالیستی هیچ وجه اشتراکی با خودکامی، آزاری و بی‌مسئولیتی ندارد.

کارآئی دموکراسی راستین به وسعت پایگاه اجتماعی آن و چگونگی استفاده از ذخیره‌ها و امکانات گسترش این دموکراسی بستگی دارد. در این رابطه در گزارش، مسائل مربوط به شرکت نسل جوان در انجام وظایف نوسازی، و ترفیع غیرحزبی‌ها و زنان به کار رهبری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به جوانب ملی سیاست کادر توجهی جدی معطوف می‌گردد. موفقیت این سیاست حتمی است، اما موظف هستیم منظره و چشم انداز واقعی رشد و تکامل مناسبات ملی در کشور را ببینیم. به علاوه پدیده‌های منفی و ناهنجاری‌هایی که با آن به مبارزه پرداخته‌ایم در این عرصه نیز پدیدار گشته بودند. بر سازمان‌های حزبی است که هر چه عمیق‌تر به مسائل رشد و تکامل مناسبات ملی و مناسبات میان ملت‌ها و تربیت انترناسیونالیستی بپردازند. تنها انترناسیونالیسم بی‌گیر و استوار قادر است با هرگونه روحيات مد شده و ناسیونالیستی و شوونیستی پیروزمندانه مقابله نماید.



ضمن فرمولبندی سیاست در مورد کادرها متناسب با وظایف نوسازی، دفتر سیاسی بر آن است که موفقیت این سیاست به طور قطع وابسته به آن خواهد بود که کادرهای ما با چه سرعت و عمقی ضرورت تحولات را دریابند و تا چه اندازه خلمشی حزب را خلافتانه و هدفمندانه به اجرا در آورند.

در طول سال‌های ساختمان سوسیالیسم در کشور، بنیه نیرومند و پر کیفیتی از کادرها بوجود آمد و مسترأ کامل‌تر شد. همه آنچه که به دست آورده‌ایم آفریده دست‌های انسان‌های شوری و حاصل کار فداکارانه کادرهای ماست. در عین حال در پلنوم کنونی باید از اشتباهات در کار کادرها و کجروی‌هایی نیز سخن گفت که در سال‌های اخیر در سیاست کادر به عمل آمد و به نارسائی‌های جدی در فعالیت شماری از حلقه‌های دستگاه حزبی، دولتی و اقتصادی، و پدیده‌های منفی در جامعه منجر گردید. برای احتراز از چنین خطاهائی در آینده، موظف

هستیم از گذشته درس بگیریم.

نخستین درس ضرورت حل به موقع مسائل شکل گرفته در رابطه با کادرها، تامین ادامه‌کاری در رهبری، ورود مستمر نیروهای تازه، و تکمیل ارگان‌های رهبری، از جمله کمیته مرکزی حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، با این نیروهاست. درس دوم آن است که به هیچ وجه نباید به آمادگی سیاسی و تئوریک، و آبدیدگی ایدئولوژیک - اخلاقی کادرها کم بهاداد و سبک تکنوکراتیک کار را باید هر چه سریعتر از میان برداشت. بسیاری از کارکنان حزبی با غرق شدن در امور اقتصادی و بابه عهده گرفتن وظایف - در مواردی - ناسازگار با حزب از توجه لازم به مسائل سیاسی، و پدیده‌های حائز اهمیت اجتماعی در حیطه اقتصاد و حیات اجتماعی و معنوی غافل ماندند.

درس سوم در این خلاصه می‌شود که در سیاست حزب نسبت به کادرها در سال‌های اخیر دو روند متضاد به گونه‌ای متناقض سازگار شدند. از یک طرف راکد ماندن ترکیب رده‌های بالا، و از طرف دیگر جابه‌جائی بی‌دلیل و گاهی شتاب زده رهبران موسسات، کارگاه‌های ساختمانی، کالج‌ها و ساوخرها. ما طرفدار ثبات هستیم، اما این ثبات نباید به رکود کادرها بدل شود، ما طرفدار جابه‌جائی هستیم، اما با بازی "گرگم به هوا" با کادرها مخالفیم. این امر شایسته توجه، دلسوزی، تعق و اصولیت بیشتری است.

درس چهارم در زمینه سیاست حزب نسبت به کادرها افزایش مسئولیت نسبت به کار محوله، اعتدالی انضباط، و ایجاد فضای سخت‌گیری متقابل است. نباید اجازه داد کسانی که از عهده وظایف خود بر نمی‌آیند ده‌ها سال در بسیاری از پست‌های رهبری باقی بمانند. ما نباید - و نمی‌توانیم - هم به حساب منافع حزب، جامعه، و خلق "مهربان" باشیم. و بالاخره یک درس دیگر عبارت از آن است که یکی از علل نارسائی‌های جدی در کار با کادرها، طی مدتی مدید، ضعف پایه‌های دموکراتیک، در برخی موارد حقیر شردن نقش ارگان‌های انتخابی، و نیز لغزش‌های جدی در فعالیت ارگان‌های کنترل چه در حزب و چه در دولت بوده است.

امروز مهمترین وظیفه، تکامل سیاست حزب در مورد کادرهاست. باید این سیاست را واقعا امروزی کرد، فعال‌تر و هدفمندتر نمود، و به گونه‌ای تنگاتنگ با رستاخای کلیدی مبارزه در راه تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی پیوند داد. برخورد کادرها به نوسازی، آن هم نه در حرف بلکه در عمل، در حکم ملاک قطعی سیاست حزب نسبت به کادرها و نوعی میزان این سیاست است. سیمای اخلاقی و صلاحیت کارکنان، تخصص بالای حرفه‌ای آنها، آشنائی پدیداری‌شان با نارسائی‌ها، کهنه‌پرستی، بی‌تفاوتی و انفعال، و پای‌بندی آنان به هر آنچه که پیشرو و مترقی است در شرایط کنونی از اهمیت عظیمی برخوردار می‌گردد.

تعمیق نوسازی در جامعه به معنای بازسازی کار حزب و کادرهای آن در تمامی سطوح، از کمیته مرکزی تا سازمان‌های اولیه است. این امر به معنای درک خللاق و اجرای پیگیری اصول و موازین لنینی زندگی حزبی در تمامی حلقه‌هاست.

گزارش، جریان نوسازی در سازمان‌های حزبی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و تاکید می‌کند که کمیته‌های حزبی و تمامی کادرهای حزب باید کار کردن در شرایط دموکراسی تعمیق‌یابنده و تحرک فزاینده سیاسی و کاری خلق را بیاموزند. مساله

نوسازی کمیته‌های شهر و ناحیه، و سازمان‌های اولیه حزبی مورد بررسی ویژه قرار می‌گیرد. امروز میدان اصلی مبارزه برای تحقق تصمیمات کنگره ۲۷ همین محیط‌هاست.

کادرهای اقتصادی کارخانجات و مجتمع‌ها، و کارکنان عرصه مدیریت مسئولین سنگینی در این زمینه بردوش دارند. گذار از شیوه‌های اداری به شیوه‌های اقتصادی اداره امور اقتصاد، گسترش استقلال موسسات و مجتمع‌ها، و برخورد جدید نسبت به فعالیت اقتصادی در رابطه با خارج، کادرها را در شرایط اصولا جدیدی قرار می‌دهد. باید به رهبران و متخصصین اقتصاد آموخت تا از حقوق و امکاناتی که در اختیارشان قرار داده شده است به طور کامل استفاده نمایند. تقویت سمتگیری اجتماعی در فعالیت کادرها از اهمیت اصولی برخوردار می‌شود.

نوسازی کار وزارت خانه‌ها و ادارات را باید زودتر به انجام رسانید و به آنان کمک کرد تا از غرق شدن در مسائل خرد و ریز و دخالت در فعالیت اجرایی مجتمع‌ها و کارخانجات دست کشیده و توجه خود را روی مسائل پیشرفت علمی - فنی و تکامل مکانیسم اقتصادی، و مسائل بزرگ و با چشم انداز رشد و تکامل رشته‌ها متمرکز نمایند. وظایفی که در رابطه با اجرای رفرم اساسی مدیریت اقتصادی بر عهده ارگان‌های برنامه‌ای، مالی، و دیگر ارگان‌های عموما اقتصادی است، مشخص شده‌اند.

باید در عمل نقش شوراهای نمایندگان خلق ارتقا یافته و مسئولیت آن‌ها در قبالت تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی و خدمت به اهالی افزایش یابد. کادرهای اتحادیه‌های صنفی باید در حل و فصل مسائل تولیدی و اجتماعی موضع فعال‌تری داشته باشند. باید به هر ترتیب ابتکار سازمان‌های کامسومول را رشد داد.

باید بخش‌های ایدئولوژیک را با کادرهای پر کیفیت و تربیت شده‌ای تقویت کرد که ضربان زمان را تماما احساس کنند، جوهر وظایف منظومه را عمیقا بفهمند، و قادر باشند سیاست حزب را به طور موثر ترویج کنند و افراد را متقاعد ساخته و سازمان دهند.

تحرک بیشتر قانونیت سوسیالیستی و موازین قانونی در کشور وظایف خطیر جدیدی در برابر کادرهای ارگان‌های پادار قانون قرار می‌دهد. این کادرها وظیفه دارند با انکابه اعتماد و پشتیبانی تمام خلق، کار کردن در شرایط گسترش دموکراسی و علینیت را اکتفا قرار گیرند.

گزارش، توقعات جدید از کادرهای نهادهای دست‌اندرکار سیاست خارجی را در جهت تحقق فعالیت پر تحرک بین‌المللی حزب کمونیست و دولت شوروی برمی‌شمارد.

بیشترین توجه ما معطوف کادرهای نظامی است، کادرهایی که وظیفه حساس دفاع از صلح و امنیت خلق شوروی را به انجام می‌رسانند.

در خاتمه خاطر نشان می‌شود که سال ۱۹۸۷، هفتادمین سال انکتبر کبیر، نقش مهمی در تحقق مشی استراتژیک حزب در جهت شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی بر عهده دارد. باید نه تنها آنچه را که در نخستین سال از اینجساله به دست آمده است تحکیم کرد و رشد و تکامل داد، بلکه ضروری است عوامل درازمدت رشد را هر چه کاملتر به کار گرفت و تحولات مثبت را بازگشت‌ناپذیر کرد.

دفتر سیاسی اعتقاد دارد که پلنوم کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش باید رستاخای اساسی نو کردن سیاست حزب در مورد کادرها را فرمولبندی کند و وظایف عمده این کار را در شرایط نوسازی معین نماید.

نامه سازمان دانشجویان پیشگام ایران به اتحادیه بین المللی دانشجویان جان دانشجویان ایران در خطر است

رفیق میخائیلوس - دبیر اول اتحادیه بین المللی دانشجویان

سازمان دانشجویان پیشگام ایران خطری جدی و هولناک را که جان دانشجویان کشور ما را تهدید می کند به اطلاع شما می رساند. رژیم جمهوری اسلامی توطئه جدیدی را جهت به تعطیلی کشاندن دانشگاه ها و اعزام اجباری دانشجویان به جبهه های جنگ تدارک دیده است. از دو هفته پیش وابستگان رژیم در دانشگاه ها تبلیغات گسترده ای را در مراکز آموزش عالی ایران در این زمینه که دانشگاه ها باید تعطیل شده و دانشجویان به جبهه های جنگ اعزام شوند، براه انداخته اند. در دانشگاه صنعتی تهران، امیرکبیر و چند دانشگاه دیگر گروهی از دانشجویان وابسته به حکومت با انتشار بیانه هایی خواستار به تعویق افتادن ترم جاری تحصیلی و اعزام دانشجویان به جبهه جنگ شده اند. آنان با کمال وفاحت این خواست جنایتکارانه را خواست همه دانشجویان و انمود کرده اند. تجربه نشان داده است که هرگاه رژیم جمهوری اسلامی درصدا اجرای امری در مراکز آموزش عالی بوده ابتدا آنرا از زبان وابستگان خود، اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان، اعلام کرده است. انجمن اسلامی دانشجویان تشکلی وابسته به حکومت است که عده بسیار ناچیزی از دانشجویان را دربر می گیرد و وظیفه سرکوب و ایجاد خفقان و پیشبرد معیارهای ارتجاعی حکومت در مراکز آموزش عالی ایران را به عهده دارد.

بر این اساس اعلام خواست بسته شدن دانشگاه ها از سوی این انجمن ها هیچ معنای دیگری جز برنامه رژیم جمهوری اسلامی برای تعطیل کردن دانشگاه ها و اعزام دانشجویان به جبهه جنگ ندارد. باید خاطر نشان ساخت در آوریل سال ۱۹۸۰ که دانشگاه های ایران برای مدت سه سال بسته شدند و طی آن بیش از ۲۰ هزار نفر از دانشجویان به دلایل سیاسی - ایدئولوژیک از دانشگاه ها اخراج شدند نیز از همین شیوه ها استفاده شد.

رژیم جمهوری اسلامی که علیرغم خواست مردم ایران و همه کشورهای مردم صلح دوست جهان همچنان بر تداوم جنگی ارتجاعی و ویرانگر پای می فشرده به مرکز آموزشی و به هر محل تجمع جوانان بیش از هر چیز بعنوان منبعی جهت تامین گوشت دم توب و بعنوان شکارگاهی برای تامین مصالح انسانی مورد نیاز در جبهه جنگ می نگرد. اقدام اخیر این رژیم در مورد دانشگاه ها نیز گام دیگری در جهت به جبهه کشاندن و کشتار جوانان و دانشجویان در جبهه های جنگ است. به جبهه های جنگی که تاکنون بیش از نیم میلیون از جوانان مردم دو کشور ایران و عراق را به کام مرگ کشانده است.

همانگونه که قبلاً نیز به اطلاع اتحادیه بین المللی دانشجویان رساندیم، اینک در هر یک از مراکز آموزش عالی ایران از طرف دولت کمیته ای جهت اعزام دانشجویان به جبهه تشکیل شده است. وظیفه این کمیته تبلیغ در مورد ضرورت شرکت در جنگ و اعمال فشار بر دانشجویان جهت تن دادن به اعزام اجباری به جبهه است. گذراندن حداقل سه ماه در جبهه بعنوان بخشی از واحدهای درسی، اجباری اعلام شده است.

جمهوری اسلامی سر* استفاده جنایتکارانه ای نیز از تمایل جوانان ایرانی جهت کسب آموزش عالی و ورود به دانشگاه ها به عمل می آورد. وزارت آموزش عالی اعلام کرده است که هر داوطلب ورود به دانشگاه که تعهد حضور چند ماهه در

جبهه را بدهد به دانشگاه راه خواهد یافت. لازم به تذکر است که در سال گذشته از ۵۲۰ هزار شرکت کننده در آزمایش ورودی تنها ۴۳ هزار نفر در دانشگاه های ایران پذیرفته شدند. رژیم جوانان را به قمار بر سر زندگی خود وامی دارد. ملایان حاکم بر مبین ما می کوشند جوانان ایرانی را با این سراب که اگر از جهنم جبهه زنده بگریزند به دانشگاه راه خواهند یافت به جبهه بکشانند.

نمونه های دیگری از اقداماتی که اخیراً از سوی جمهوری اسلامی جهت بکشتن دادن دانشجویان ایرانی صورت می گیرد، تبلیغ علیه درس خواندن است. مبلغین این رژیم در همه مراکز آموزش عالی بطرق گوناگون درس خواندن را مترادف با خیانت قلمداد می کنند. آنها همه جا می گویند درس خواندن در شرایطی که جنگ جریان دارد خیانت است. فرمانده سپاه پاسداران آذربایجان شرقی (یکی از استان های کشور ما) در روز ۳۰ نوامبر در یک اجتماع اجباری دانشجویان دانشگاه تبریز که بوسیله تعطیل کردن کلاس ها تدارک دیده شده بود اعلام کرد: "امروز جنگ از درس مهمتر است. همه باید به جبهه بروند". معاون فرمانده لشکر ۳۱ آذربایجان در یک سخنرانی که بوسیله تلویزیون در دانشگاه های مختلف دانشگاه تبریز پخش شد در طول ۲۰ دقیقه ۵ بار تکرار کرد "امروز درس خواندن در دانشگاه خیانت است و خیانت".

اقدامات جنایتکارانه سران رژیم جمهوری اسلامی برای کشتار جوانان فقط دانشجویان را شامل نمی شود. این نوع اقدامات بطور مثال در مورد دانش آموزان به دلیل کثرت آنان با وسعت و شدت بسیار بیشتری جریان دارد. فقط بعنوان نمونه آخرین دستورالعمل آنان در مورد دانش آموزان دبیرستان ها و مدارس راهنمایی (که در آن ها دانش آموزان ۱۴ - ۱۱ ساله به تحصیل اشتغال دارند) را ذکر می کنیم. در این دستورالعمل هر دبیرستان موظف شده است که حداقل ۲۰ نفر از دانش آموزان را به جبهه بفرستد.

بخشی از دستورالعمل مسئولان "ستاد جنگ آموزش و پرورش استان تهران" که در روزنامه های رسمی رژیم به تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۷ درج شده است بشرح زیر است:

"از هر دبیرستان پسرانه و یا مدرسه راهنمایی واجد شرایط حداقل ۲۰ دانش آموز داوطلب به همراه ۲ تن از پرسنل داوطلب راهی جبهه های نبرد با دشمن بعثی خواهند شد. اولین اعزام روز ۲۰ بهمن ماه جاری (۹ فوریه) انجام می شود و مدت حضور در مناطق عملیاتی بین ۴۵ روز تا سه ماه خواهد بود."

ما به نام دانشجویان ایرانی از اتحادیه بین المللی دانشجویان می خواهیم با استفاده از تمامی امکانات موجود، به انعکاس فریاد صلح خواهی دانشجویان و همه مردم ایران، و افشای توطئه های رژیم جنگ طلب و ارتجاعی جمهوری اسلامی پرداخته، مبارزه در راه قطع این جنگ ویرانگر و بی معنا که تهدیدی برای صلح جهانی و عاملی برای تقویت مواضع امپریالیسم در منطقه است را گسترش دهد.

با کرم ترین درودها

سازمان دانشجویان پیشگام ایران

فوریه ۱۹۸۷

کمتهای مالی رسیده

۱۰۰۰ روپیه	ب و ج از پاکستان	۸۰۰۰ کرون	"مهندس" از کپنهاگ
۱۰۰ روپیه	یک توریست ایرانی از پونا هندوستان	۱۰۷ روپیه	مریم از هندوستان
۵۰ روپیه	یک توریست ایرانی از پونا هندوستان	۴۰ مارک	س. وطن از کلن - آلمان فدرال
۲۰۰ مارک	چادر صلح اس - آلمان فدرال	۶۰ مارک	میمن از کلن - آلمان فدرال
۲۵۰۰ کرون	نیاز از کپنهاگ - دانمارک	۵۰ مارک	فرزانه از کلن - آلمان فدرال
۳۹۸۰ کرون	ایمان از کپنهاگ - دانمارک	۵۰ مارک	شمین از کلن - آلمان فدرال
۶۵۰۰ کرون	یعقوب از کپنهاگ - دانمارک	۱۰ شیلینگ	ع - آ از اتریش
۲۰۰۰ کرون	مازیار از کپنهاگ - دانمارک	۶۰ کیلن	الف - الف از هلند
۲۰ مارک	م. ع. از کپنهاگ - دانمارک		
۵۰ مارک	بهمن کوچولو بمناسبت ۱۹ بهمن از کلن - آلمان فدرال		

با جمع آوری
کمتهای مالی
فدائیان خلق را
در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

تشدید مخاصمات سازمان مجاهدین و حزب دمکرات

راه کارگر - یک ارزیابی و یک نتیجه

"نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور" که نظرگاههای رهبری سازمان مجاهدین را منعکس می‌کند در شماره ۸۰ طی مقاله‌ای در سه صفحه رهبری حزب دمکرات را به شدت مورد انتقاد و حمله قرار داده است. در این مقاله گفته شده که سخنان قاسلو در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی "پاتیزه‌سرا" در ۱۵ دیماه مبنی بر اینکه رژیم خمینی ۲۰۰ هزار نیروی مسلح در کردستان گرد آورده است "تذلیف برای ثبات رژیم منززل خیمینی است که این امر نیز بطور غیر مستقیم در خدمت توجیه مذاکره جویی با این رژیم ضد خلقی می‌باشد." در این مقاله وجود ۱۲ هزار نفر پیشمرگه در صفوف نیروهای مسلح حزب دمکرات، که توسط دبیرکل این حزب عنوان گردیده است، "لاف زنی‌های بی‌درو، پیکر" نامیده شده و گفته شده است "علیرغم ادعای مربوط به ۱۲ هزار فرد مسلح، مدت‌ها است که این حزب از موضع ضعف کامل در خط مذاکره با خمینی حرکت می‌کند."

در بخش دیگری از این مقاله آمده است که جلال طالبانی در تلاش برای "جلب گرومهای کرد ایرانی به رژیم خمینی است، که این مسئولیت را تحت امر پاسدار ذوالقدر، فرمانده قرارگاه رمضان پیگیری می‌کند و در همین رابطه ملاقات‌هایی هم با برخی مسئولین حزب دمکرات داشته است."

در مقاله مزبور هم چنین مواضع حزب دمکرات در قبال حمله خونبار اتحادیه میهنی به افراد مسلح سازمان مجاهدین به شدت مورد حمله و نکوهش قرار گرفته است. به نوشته این نشریه رادیوی حزب دمکرات در ۱۲ دی ماه اظهار نظر کرده است: "اینکه به کتبی پاسدار به داخل کردستان عراق می‌آورد به خودی بستگی دارد و هیچ ربطی به ما ندارد."

در مقاله "نشریه اتحادیه..." این سخنان قاسلو در مصاحبه بارادبو بی‌بی‌سی در تاریخ ۲۸ مرداد که در رابطه با رژیم "ما همیشه اعلام کرده‌ایم که حاضر به مذاکره هستیم..." پیکاوای شده و بدنبال آن تأکید گردیده "مذاکره با دشمن ارتجاعی و ضد خلقی جز به معنی بهدر

دادن خون شهیدان ورنج و زحمت مردمی که در برابر رژیم جلاذ خمینی مقاومت کرده اند نمی‌باشد."

از سوی دیگر "بولتن خبری کردستان ایران" که توسط تشکیلات حزب دمکرات در اروپا منتشر می‌شود در شماره ۱۶۹ به مندرجات نشریه‌ای بنام "راه آزادی" (ارکان یکی از اعضاء شورای ملی مقاومت) در حمله به رهبری حزب دمکرات پاسخ داد. "بولتن خبری کردستان ایران" در رد این ادعای راه آزادی که "حزب دمکرات از مقاومت بریده" چنین گفت "اگر مقصود شورای مقاومت ملی است کاملاً درست است و اما اگر مقصود مقاومت در برابر رژیم خمینی است، این شورا است که از مقاومت فعال در داخل بریده" است. در جای دیگری از این مقاله، آمده است "در لحظه کنونی برای نمونه یک نفر از افراد مسلح سازمانهای وابسته به شورای ملی مقاومت در کردستان حضور ندارد."

در جای دیگری از این مقاله اظهار نظر شده است که "در حقیقت "راه آزادی" وهم پیمانان آنان هستند که راه استحاله را برگزیده اند. چرا که شعار آنها سرنگونی رژیم خمینی است، نه جمهوری اسلامی." علاوه بر این در مقاله مزبور آمده است که مردم ایران "حق دارند شعار یا جمهوری اسلامی یا شورای ملی مقاومت را رد نمایند و در پی آلترناتیو دمکراتیک باشند."

"بولتن خبری کردستان ایران" نویسنده مقاله "راه آزادی" را "دیگران" نامیده که "مصلحت ندیده‌اند" مستقیماً مسئولیت آن نوشته را بر عهده بگیرند و با توجه به این امر خاطر نشان ساخته که "نویسنده از اینکه حزب دمکرات سازمانها و شخصیت‌های دمکراتیک را به تشکیل جبهه دعوت کرده است سخت هراسان شده و به دست و پا افتاده است و از هم اکنون هر کسی را که به این دعوت جواب مثبت بدهد "خاشن به خلق و انقلاب" می‌نامد. واقعا حیرت انگیز است که کسانی که هدف خود را سرنگونی رژیم خمینی قرار داده‌اند و اهمه دارند از اینکه از نیروهای اپوزیسیون جبهه‌ای به منظور سرنگونی همین رژیم تشکیل شود."

نشریه راه کارگر شماره ۲۴ ارزیابی "سازمان کارگران انقلابی ایران" را نسبت به مصوبات پلنوم اخیر گروه منشعب از سازمان مادر سال ۶۰ (پیروان سابق بیانیه ۱۶ آذر) منتشر کرده است. این نشریه اعلام داشت: اینکه در پلنوم مزبور پذیرفته شده است "رژیم جمهوری اسلامی، همانا از فردای قیام بهمن، رژیمی ضد انقلابی بوده است" و نظریه استحاله بطور ضمنی مردود اعلام شده است... بهر حال کامی به پیش است "اگر چه "در رابطه با گذشته، پلنوم، از هرگونه صراحت در ارزیابی سیاست گذشته این سازمان طفره رفته" است. راه کارگر این شیوه برخورد را "کاملاً فرصت طلبانه" نامیده است.

علاوه بر این در مقاله راه کارگر آمده است که این حکم پلنوم مزبور که "اولا رهبری ضد امپریالیست، الزاماً انقلابی نیست... وثانیا انقلابی بودن در ذات و تقدیر خرده بورژوازی نیست... بسیار عالی است و بازم گام‌هایی به جلو و مثبت". راه کارگر همراه با این داور، البته اذعان داشته است که این سازمان "در همین قدم‌های به پیش نیز از جاده مارکسیسم-لنینیسم پرت افتاده است."

در این مقاله تأکید شده است که

نشریه "جبهه ملیون ایران" که به مدیریت "احد انواری" در اروپا منتشر می‌شود و نظرات دستجاتی از بورژوازی ایران را بازتاب می‌دهد در شماره ۹۴ (دیماه ۶۵) مقاله‌ای با عنوان "شکستن دژ بصره به ملت ایران مبارک باد" درج کرده است. این نشریه وابسته به بورژوازی، از عملیات نظامی فاجعه‌بار جمهوری اسلامی در جبهه بصره که به کشتار ده‌هزار تن از مردم ایران و عراق انجامیده است استقبال کرده و نوشت "شکستن دژ بصره و حملات برق‌آسای نیروهای ایرانی که تا زمان تحریر خیر به چند کیلومتری بصره دست یافته‌اند بر مبارزان ملی و سلحشوران ایرانی مبارک و میمون باد."

نویسندگان نشریه "ملیون

این پلنوم "با عزیمت از دمکراسی بورژوازی بعنوان معیار انقلابی بودن، سه ضد انقلابی بودن رژیم جمهوری اسلامی رسیده است. در توبه از خط مشی گذشته، خط مشی رفرمیستی را جایگزین آن ساخته است... نتیجه آنکه: انتقاد پلنوم... از موضع دمکراسی بورژوازی صورت گرفته است و نه از موضع پرولتری."

در مقاله راه کارگر گفته شده که سازمان مزبور "دیکتاتوری پرولتاریا را... قلم گرفته و... افق آرمان‌هایش از دمکراسی بورژوازی فراتر نمیرود." و "حتی در عرصه دمکراسی نیز ناپیگیری و فرصت طلبی خود را آشکار کرده است... در تعیین میزان مرفی و دمکرات بودن یک نیرو، نه از پلانتفرم و برنامه آن، بلکه از وزن سیاسی لشکر آن یا احیاناً درجه احتمال به قدرت رسیدن آن حرکت کرده است."

در پایان این مقاله در عین حال نتیجه‌گیری و اعلام شده است که با توجه به مصوبات آخرین پلنوم سازمان مزبور، از این پس "از همکاری و اتحاد عمل با آن در مبارزه برای دمکراسی و همچنین در زمینه جبهه متحد کارگری، استقبال می‌کند" امری که تاکنون راه کارگر به نادرستی از آن سرباز می‌زده

رقص پرفراز بسته‌ای از گذشته

ایران" که این چنین از کشتار مردم ایران به‌وجود آمده‌اند، این قتل‌عام مخوف را جلوه‌ای از "ظرفیت ملی" دانستند و اضافه کردند که "ما ضمن تهنیت این پیروزی عظیم امیدواریم که سران دول بزرگ و حکام منطبق به ظرفیت ملی و تواناییهای ملت بزرگ ایران کردن گذاشته و بیش از این با حمایت از صدام موجبات تداوم جنگ را فراهم نگردانند."

این نشریه که در عین حال مایل است بعنوان مخالف رژیم شناخته شود در صفحه آخر همین شماره طی فراخوانی به تکرار تبلیغات رژیم خمینی پرداخت و خواستار شد که در اعتراض به بمباران شهرهای ایران نه هر دو رژیم صدام حسین و خمینی که فقط رژیم صدام محکوم شناخته شود

دور از ميهن

عربده کشي چماقداران خميني در هندوستان

در هراس از فعاليت افشاگرانه نیروهای مترقی و انقلابی در هندوستان، مزدوران خمینی در شهر پونا به حرکات اوباشانه خود ابعاد تازه ای داده اند. مزدوران چماقدار و چاقوکش خمینی در این شهر بیشتر از این نیز مانند مهپالکی هایشان در کشور با چاقو و چماق به عربده کشي می برداختند. ولی چماقکشي اخیر آنها بیشتر بخاطر مانع شدن از افشای معاملات سنگین رژیم خمینی با امپریالیسم آمریکا صورت می گیرد.

طی چند ماه گذشته و بویژه در ماه نوامبر عده ای چاقوکش و چماقدار که از طرف سفارت رژیم در هندوستان اجیر شده اند، با بسیج همه نیروهای مزدور خود از شهرهای دیگر هندوستان، پونا به گفته یکی از مزدوران انجمن اسلامی می خواستند جو اختناق کامل را در این شهر حاکم کنند. آنها با همدستی پلیس محلی با چماق و زنجیر به دانشجویان هوادار سازمانهای مترقی حمله می کردند و با موتورسیکلت در خیابانهای شهر پونا براه افتاده و به عربده کشي می پردازند. پلیس محلی پونا نه فقط در برابر این گونه شرارتها و ضرب و شتم هواداران سازمانهای مترقی توسط این شراری بی تفاوت است بلکه در

مامهای اخیر مانع پخش و فروش نشریات سازمانهای مترقی مخالف رژیم ضد بشری خمینی نیز شده است.

همچنین، چماقداران خمینی در هند، اخیرا در کنار تلاشهای مذبوحانه خود در جهت جلوگیری از افشای سیمای کریه رژیم خمینی، طی اطلاعیه ای از طرف "اتحادیه انجمن های اسلامی..." با وقاحتی که تنها زببنده مزدوران پست این رژیم ضد بشری است، دانشجویان دختر و زنان هموطن مادر هند را تهدید کرده اند که در صورت عدم رعایت حجاب اسلامی، با اقدامات جنایتکارانه حزب الله روبرو خواهند شد. آنها در این اطلاعیه تهدید کرده اند که "این واحد وظیفه شرعی خویش می داند تا ضمن انجام اقدامات لازم، مراتب را جهت پیگیری به مقامات ذیصلاح جمهوری اسلامی اعلام نماید." در همین راستا آنها در خیابانها به کشت زنی پرداخته و راه را بر زنان و دختران ایرانی مقیم این شهر می بندند و از آنها می خواهند که حجاب اسلامی را رعایت نمایند. این اوباش بر زمینه پراکندگی ایرانیان در این شهر چنان گستاخ شده اند که به هم میهنانمان در خیابانها امر و نهي می کنند.

اسامی برخی از مزدوران و چماقکشان سفارت جمهوری اسلامی در هندوستان به شرح زیر است:

۱ - حمید کل فریدن: این شخص که در هندوستان به فساد اخلاقی معروف است، از رهبران مزدوران خمینی در هندوستان است و رابط انجمن با مسئولین در ایران نیز می باشد.

۲ - جواد شهدی: عنصر چماقدار و مرتجعی است که به اصطلاح معلم فقه مزدوران حزب اللهی است.

۳ - احمد سرداری: از رهبران چاقوکش انجمن

۴ - علی اعظم: مزدور چماقدار انجمن

۵ - عبدالله عرب: جاسوس انجمن که بیشتر وظیفه خبرچینی را بر عهده دارد.

۶ - علی رضا لشکری: از چماقداران انجمن.

۷ - کامبیز: چماقدار و چاقوکش انجمن

آه اوباش صادراتی خمینی اگر فرصت داده شود، دایره عملیات خود را شهر به شهر و کشور به کشور گسترش خواهند داد تا دایره فعالیت نیروهای مترقی را محدودتر نمایند و عرصه را بر ایرانیان مقیم خارج تنگتر کنند. اتحاد نیروهای مترقی و بسیج کلیه ایرانیان در خارج، در همبستگی با نیروهای مترقی و آزادیخواه خارجی راه مقابله با هرزگیهای انجمن های اسلامی و دیگر باندهای سیاه رژیم خمینی در خارج از کشور است.

اتریش: بازداشت ۵۰ ایرانی در فرودگاه وین

اوایل ماه ژانویه بیش از ۵۰ ایرانی که بصورت ترانزیت وارد فرودگاه وین شده بودند از دولت اتریش تقاضای پناهندگی کردند، اما از آنجا که ایرانیان مزبور بدون ویزا وارد اتریش شده بودند، اجازه خروج از فرودگاه را نیاافتند و پلیس اتریش تمامی آنها را در اطاق کوچکی در محل فرودگاه اسکان داد و اقدامات خود را جهت بازپس فرستادن آنان آغاز کرد. اما مقامات پلیس موفق نگردیدند نسبت خود را جابه عمل بپوشانند. چرا که برخی از این ۵۰ نفر که جزو هموطنان ارمنی ما هستند در پی اقدامات محافظت کلباسی توانستند از فرودگاه خارج و در اتریش اقامت گزینند و برخی دیگر نیز در پی اقدامات دفتر حقوق بشر سرانجام اجازه یافتند از فرودگاه بیرون بروند. بعضی از ایرانیان مزبور که در میانشان تعدادی کودک نیز دیده می شد، برای مدت پانزده روز در فرودگاه بسر بردند. آنها طی این مدت علاوه بر نگرانی دائمی از یک سرنوشته نامعلوم، از تغذیه نامناسب، استراحت ناکافی و رفتار خصمانه پلیس نیز رنج بردند.

دولت اتریش دارای مناسبات گسترده و همه جانبه ای با رژیم جمهوری اسلامی است و انحصارات اتریشی از جمله تامین کنندگان سلاح برای این رژیم هستند. تشییقات غیرانسانی دولت اتریش علیه پناهندگان ایرانی در بند و بست با مقامات رژیم خمینی و به منظور تحویل فشارهای بیشتر علیه ایرانیان مهاجر صورت می گیرد.

حمله پلیس فرانسه به ایرانیان در يك اعتصاب غذا

بدفعات علیه پیکار میهن پرستان ایرانی مقیم فرانسه برای افشای چهره کریه رژیم ارتجاعی خمینی اقدام کرده است، این بار نیز به ایرانیان متشکل در کمیته مزبور اجازه برگزاری اعتصاب غذا نداد. آنها بناچار اعتصاب غذای خود را در کلیسای دیگری آغاز کردند. پلیس که این حرکت را اقدامی علیه ارتجاع و امپریالیسم ارزیابی می کرد، اعتصابگران را مورد یورش قرار داد و با زخمی کردن چند تن از آنان، تعدادی را دستگیر نمود که پس از چند ساعت بازجویی و تهدید آزاد گردیدند.

زندانیهای فرانسه را مورد بحث و بررسی قرار دادند. مسئولین حقوق بشر نیز انجام اقداماتی در این زمینه را الزامی دانستند.

بدنبال آن، این دسته از هموطنان ما فراخوانی به منظور برگزاری یک اعتصاب غذا برای همبستگی با مبارزین اسپر در شکنجه گاههای خمینی و علیه اخراج و استرداد متقاضیان پناهندگی در ترکیه، پاکستان و... منتشر کردند که در آن از سایر ایرانیان خواسته شده بود در اعتصاب غذا ای که از ۵ بهمن در یک کلیسا واقع در پاریس آغاز می شد، شرکت جویند. اما پلیس فرانسه که

جمعی از ایرانیان مقیم پاریس که در کمیته ای برای دفاع از زندانیان سیاسی کشور ما و حقوق دمکراتیک متقاضیان و پناهندگان سیاسی ایرانی در ترکیه، پاکستان و همچنین فرانسه متشکل شده اند، از روز جمعه ۲۰ دی ماه با برگزاری تظاهرات در برابر ساختمان حقوق بشر تلاشهایی را در این راستا آغاز کردند.

نمایندگان این کمیته طی یک دیدار با مسئولین حقوق بشر در فرانسه وضعیت دشوار زندانیان سیاسی میهن ما و چند تن از پناهندگان سیاسی هوادار سازمانهای چپ ایرانی در

حریق در خوابگاه پناهندگان

حوالی ساعت چهار صبح یکشنبه ۲۸ دی (۱۸ ژانویه) یکی از اقامتگاههای پناهندگان در Neuauting مونیخ (آلمان فدرال) دچار آتش سوزی شد. در نتیجه این آتش سوزی دو زن از ۲۵ پناهنده ساکن این اقامتگاه آسیب دیده و به بیمارستان فرستاده شدند.

طبق نوشته روزنامه "آبند تسایتونگ" مورخ ۲۹ دی (۱۹ ژانویه)، که این خبر را گزارش کرد مأمورین در اتاقی که آتش سوزی از آنجا شروع شده بود، بقایای یک ماده آتش زا را یافتند.

